

مرده ده آن زندگان مرا که سخن ها گوش فرامید بند و از بهترین آنها پیروی میکنند

ابوالحسن بنی صدر

## صورت و واقعیت؟

هفته های پیش از حمله امریکا به عراق دو نظر ابراز شدند . یکی از این دو نظر دروغ و دیگری راست از کار درآمدند :

دو نظر، در باره تهاجم امریکا به عراق و سرنوشتی که پیدا می کند، دو ارزیابی بعمل آوردند که یکی از آن دو واقعیت جست :

\* نظری که حکومت صدام را مجهز به سلاحهای اتمی و میکروبی تبلیغ می کرد و عراقی مردمسالار و رها از خشونت را تصویر می کرد ، بر این گمان بود که مردم عراق به استقبال قوای امریکا خواهند شتافت و مقدمشان را گرامی خواهند شمرد . به یمن استقرار مردم سالاری در عراق، مردم کشورهای دیگر منطقه نیز بخواهند خواست و نظام مردم سالاری را در کشورهای خود مستقر خواهند کرد .

امروز که حمله قوای امریکا انجام گرفته و عراق دستخوش تجزیه خونینی است ، صاحبان آن نظر اعتراف می کنند :

۱ - به جای اطلاع ، ضد اطلاع انتشار داده اند ، ۲ - تصویرشان از عراق در روزهای بعد از حمله، واقعیت نیافته است .

در حقیقت، دستگاه تبلیغاتی صورت و مجاز ساخته و آن را جانشین واقعیت کرده است . آیا آگاهانه صورت و مجاز را واقعیت انگاشته است ؟ دروغها بی که ساخته و بدان مردم امریکا را فریب داده است، ناآگاهانه ، ساختنی نبوده اند . صورت و مجازی که ساخته شده است از دروغها و غفلتهایی ساخته شده اند . اما غفلتهایی که عقل قدرت مدار میکند نیز، ساخته فریب و دروغ هستند . از این رو، مسئولیت کسانی که صورت و مجاز را جانشین واقعیت می کنند، بسی بزرگ است . زیرا فریب می خورند. هم خود را فریب می دهند و هم آنگاه به فریب دیگران می پردازند و خشونت را واجب می کنند و سرانجام خونهایی که می ریزند، بر آنها خشک می شود و ناتوان و بی حرکت برجا می مانند .

بدین قرار، بعد از تجربه، زمان شهادت می دهد که تدارک کنندگان نظریه « جنگ پیشگیرانه » و « جنگ برای استقرار مردم سالاری » و اقدام کنندگان به جنگ، منطق صوری بکار برده اند . بدین منطق ، صورتی را ساخته اند که ربطی به واقعیت نداشته است بلکه جانشین واقعیت کرده اند . نظر دیگری ، در همان حال که نظر اول و صورتی را که ساخته بود ، نقد می کرد و پرده پندار و فریب را می درید، واقعیت را همان سان که بود و هست می دید و می بیند . پیشاپیش هشدار می داد : آقایان بوش و بلر! عراق را در خون مردم این کشور و سربازان خود غرقه نسازید ! عقل قدرتمدار شما، به صورتی که می سازد، فریب می خورد و کور می شود و واقعیت را آسان که هست نمی بیند . روزی که دیگر نه راه پیش می یابید و نه راه پس، دیگر پشیمانی و پذیرفتن شکست سودی ندارد . زیرا عراق خونین را نمی توانید رها کرده و بروید و نه می توانید بمانید و آن را از کام خشونت برهید که خود در آتش افکنده اید .

در صفحه ۲

# انقلاب اسلامی

در هجرت

شماره ۶۶۰ - از ۲۰ آذر تا ۳ دی ۱۳۸۵

## عراق متلاشی و خونین

◀ پایان تفوق استراتژیک غرب - عراق در تجزیه و جنگ داخلی - اعتراف

به شکست و پیشنهادها: ص ۳

◀ حذف رفسنجانی کلید خورده است ؟ - چیدن ضدها در برابر یکدیگر

- گسیل ۷۰۰ تن به سومالی ؟ - تشدید فشار به دانشگاهها: ص ۷

◀ رودروئیا در « انتخابات » خبرگان و شوراها - بازنشسته کردن ۵۳ استاد و

نزاع بر سر دانشگاه آزاد: ص ۹

◀ غنی سازی تا ۳۵ - ۴۰ درصد - کمر بند شیعه و تشکیل وزارت خاص ایران !

- ۶ کشور هنوز بر سر تحریم ایران گفتگو می کنند: ص ۱۰

◀ درآمد نفت و ذخیره مصرف شده - ژاپن ۱۰ میلیارد دلار اعتبار ایران را

مسدود کرد- ۲ درصد جمعیت برابر تمامی جهانیان ثروت دارند! ص ۱۱

◀ ژاله وفا: مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش ایران در قرن ۲۱ - ۶: ص ۱۲

◀ تشدیدها: سانسور انترنت و سرکوب دانشگاهیان و روزنامه نگاران: ص ۱۳

جهانگیر گلزار

## صلح حقی از حقوق هر انسان ، هر قوم

### و هر ملت است

در قطعنامه سازمان ملل به تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۸۱، سومین سهشنبه سپتامبر، روز بازگشایی جلسات عادی مجمع عمومی، رسماً به عنوان «روز جهانی صلح» اعلام شده است ، تا به بزرگداشت و تحکیم آرمانهای صلح درون و بین همه ملتها و مردمان اختصاص یابد،

در سال ۲۰۰۰ به پیشنهاد آقای کوفی عنان ، ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور) روز جهانی صلح اعلام شده است . در خطابه او آمده است که :

صلح پایه موجودیت ماست. اساس هویت ماست. انگیزه همه آن چیزی است که ما انجام می دهیم. در روز جهانی صلح، بیایید یاد همه آنانی را که از خشونت رنج کشیده اند، گرامی بداریم. بیایید آرمان صلح را در قلب هایمان پاس داریم. در بخشی دیگر از صحبت آقای کوفی عنان آمده است :

اما این زمان کافی است که رزمندگان و رهبران سیاسی به خرابی ای که بر مردم و سرزمین شان می آورند، بیندیشند.

این زمان کافی است که به سنگرها، و از خلال سیمهای خاردار، نظر افکنده و ببینیم که راه دیگری وجود دارد .

در روز جهانی صلح، بیایید یاد همه آنانی را که از خشونت رنج کشیده اند، گرامی بداریم. بیایید آرمان صلح را در قلب هایمان پاس داریم.

در قطعنامه ای به همین مناسبت آمده است : «جنگ در اذهان انسان ها آغاز می گردد. و این در اذهان انسانهاست که دفاع از صلح بایستی ساخته شود، و صلحی که تنها بر اساس اقدامات اقتصادی و سیاسی دولتها باشد، صلحی نیست

که لزوماً از حمایت پایدار و همگانی مردم جهان برخوردار باشد .

در صفحه ۱۴

انقلاب اسلامی : در این ایام، عراق و افغانستان مسئله اول سران دولتها و رسانه های گروهی گشته است : کاخ سفید می پذیرد که عراق وارد مرحله ای جدید و خطرناکی گشته است اما بروی خود نمی آورد که این مرحله ، مرحله جنگ داخلی است . در عوض کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد می گوید عراق در آستانه جنگ داخلی است و رسانه های امریکائی می گویند که عراق در جنگ داخلی است . ارتش امریکا می گوید قادر به مهار گروههای مسلح عراق نیست و طالبانی می گوید : امریکا عامل گسترش ترور در عراق است . کنفرانس های تهران و اردن تشکیل شده اند و کنفرانس قاهره نیز در شرف تشکیل است . گزارش هیأت راه حل یاب نیز در ۶ دسامبر ، انتشار خواهد یافت . آن، کنفرانس منطقه ای با شرکت ایران و سوریه پیشنهاد شده است . فصل اول این مجموعه به بن بست در خون عراق اختصاص می یابد

در فصل دوم گزارشهایی را می خوانید که انقلاب اسلامی از ایران دریافت کرده است . این گزارشها به تضاد در کانون و « کلید خوردن حذف هاشمی رفسنجانی » و دو « انتخابات » مجلس خبرگان و شوراها و سرکوب دانشگاهها و رابطه با امریکا مربوطند.

در فصل سوم گفته ها و اطلاع هائی را می یابید که در رسانه های رژیم انتشار یافته اند و رویاروییها در درون رژیم را گزارش می کنند .

در فصل چهارم خبرهای پیرامون بحران اتمی را می خوانید . از ایران خبر از غنی سازی ۳۵ تا ۴۰ درصد اورانیوم می رسد و اسرائیل وزارت جدیدی خاص مقابله با ایران ایجاد می کند و ۶ کشور بر سر قطعنامه تحریم ایران همچنان چانه می زنند.

در فصل پنجم خبرهای و داده های اقتصادی حاکی از تشدید تخریب اقتصاد کشور را می یابید .

در فصل ششم ، قسمت دیگری از مطالعه ژاله وفا در باره آموزش و پرورش را می خوانید. و در فصل هفتم

خبرهای تجاوزها به حقوق انسان در ایران را می یابید :

در صفحه ۳



امروز که واقعیت صورت ساختگی را در دیده و خود را انسان که هست نشان داده است، زمان شهادت می دهد که صاحبان این نظر واقعیت را آن سان که بوده است، دیده اند.

اما چرا مردم آمریکا و بخشی از مردم اروپا صورت را باور کردند و واقعیت را باور نکردند و به حکومتی بوش و بلر اجازه دادند آنها را در جنایت خویش شریک کنند؟ آنها با گذاشتن هزینه جانی و مالی سنگین بر دوش آنها؟ وعده سلطه انگلوساکسن ها بر منابع نفت و وعده سلطه آمریکا بر قلمرو گسترده ای از شمال افریقا تا هند و مهار قدرتهای مزاحم روسیه و چین و هند و پیروزی قطعی بر « تروریسم بین المللی » می توانند چشمان عقل جمعی یک ملت را کم سو و از دیدن واقعیت، حتی وقتی در برابرشان قرار دهی، ناتوان کنند. با وجود این، سهم اعتیاد به « صورت را واقعیت انگاشتن » در ندیدن و بسا سرباز زدن از دیدن واقعیت، بزرگ تر است.

بجاست که درسی تجربه را بیاموزیم. به سخن دیگر، عناصری را که اجتماعشان سبب شدند جنگ ممکن بگردد، شناسایی کنیم:

- ۱- عامل اول، حالت ترس و عصبان بود. ترس از تروریسم بر اثر ترورهای ۱۱ سپتامبر و عصبان بر ضد امران و عاملان آن. شدت آن تا بدانجه بود که بوش به خود اجازه داد از « جنگ صلیبی » سخن بیمان بیاورد.
- ۲- عامل دوم مظهر سازی برای تروریسم بین المللی، با استفاده از زمینه ذهنی در جامعه آمریکایی، بود. با استفاده از آن، بوش رژیم های ایران و عراق و کره شمالی را « محور شر » خواند.

- ۳- عامل سوم وجود گروهی بود و هست که، بنا بر موقع و جهت باد قدرت، خود را نماینده خدا، دین، مردم، تاریخ، آزادی، مردم سالاری و... می کنند و دلخواه خویش را، حکم خدا، دین، مردم، تاریخ و... جلوه می دهند و به قربانی ابلاغ می کنند. یادآور می شود که در دوران جنگ سرد، « چپ » استالین گرا به نام « جبر تاریخ » به خود ولایت مطلقه می داد و حکم می کرد که تنها حرکت صواب، حرکت در جهت تاریخ است و هر کسی جز این کند، محکوم به رفتن به زباله دان تاریخ است. با ولایت مطلقه ای که از « جبر تاریخ » می گرفت، هر کس را می خواست، محکوم بلا استنباف می کرد. در برابر « اردوگاه سوسیالیسم »، اردوگاه « آزادی » قرار می گرفت و به نام آزادی، به خود ولایت مطلقه می داد و مخالف خود را محکوم به نیستی می کرد. مکار تریسم در آمریکای دوران بعد از جنگ را کس و کسانی بنیاد نهادند که خود را تجسم آزادی انگاشتنند و برای خود ولایت مطلقه قائل شدند.

هشدار! در ایران ما، این گروه به دو دسته تقسیم می شوند: آنها که تغییر موضع نمی دهند و آنها که بنا بر جهت باد قدرت - البته قدرت مطلوب - تغییر موضع می دهند. هر دو دسته، همواره برای خود ولایت مطلقه قائل می شوند. آنها که تغییر موضع می دهند، بنا بر موقع و جهت باد قدرت، تجسم تاریخ، آزادی، دین، و... می شوند. برای مثال، دیروز استالینست بوده اند و امروز طرفدار آزادی و حقوق بشر شده اند، با وجود این، بنا بر موقع و جهت باد قدرت، تجسم تاریخ یا آزادی و حقوق بشر می شوند و حکم بلا نقض صادر می کنند. و هر دو دسته، مردم را نادان و بنا بر این نیازمند قیم می انگارند و در مقام ولی قهری، بنا بر موقع و جهت باد قدرت، دلخواه قدرت را خواست مردم می گردانند و بر طبق آن حکم صادر می کنند.

بپوش باید بود و فریب صورت را نخورد و بکار برنده این روش را

## صورت و واقعیت؟

قدرت مدار باید شناخت و نباید بدو میدان داد. چرا که می تواند فاجعه ای چون فاجعه های ایران و عراق بسازد و طلبکار شود و با ولایت مطلقه گرفتن از تاریخ، مردم، دین، خدا، و... دیگری یا دیگران را متهم کند و بسا انسانها را از شناسایی راه بیرون رفتن از فاجعه، باز دارد. اینان مردمی بی شهامت و بی ابتکارند و توان اتحاد موضع و ایستادن بر آن را ندارند. از قول خود سخن نمی گویند زیرا می دانند دروغ می سازند. از این رو، عمده کارگاهی می شوند که کارش ساختن فکر جمعی جبار است. این جماعت به این لباسی که در آینه، با ولایت مطلقه ای که به خود می دهند، شناخته می شوند و ماهیت قدرت پرست خود را بروز می دهند.

۴- عامل چهارم سازندگان « فکر جمعی جبار » هستند. در آمریکای پیش از تجاوز به افغانستان و عراق، سازندگان این « فکر »، محافظه کاران جدید و بنیادگراها بودند. هر کدام، یک « فکر جمعی جبار » برای قلمرو خود در جامعه آمریکا ساختند و « جنگ مقدس » را واجب گردانند.

۵- عامل پنجم بحران شدیدی است که جامعه آمریکایی بطور خاص و غرب بطور عام بدان گرفتار است: بحران هویت و بحران اندیشه راهنما که باس از آینده های نزدیک و دور را ببار آورده است. از آنجا که خلاء را همواره قدرت (= زور) پر می کند، بیهوده نبود که بوش به ریاست جمهوری رسید و طرز فکرهای ستایشگر قدرت، محافظه کاران جدید و بنیادگرا، قوت گرفتند.

۶- عامل ششم وعده ها بودند: وعده جذب بیکاری و وعده « ایجاد نظم جهانی جدید ». قرن بیست و یکم را قرن رهبری آمریکا کردن، و « استقرار مردم سالاری در کشورهای استبداد زده » و « ریشه کن کردن تروریسم جهانی. افزون بر این وعده ها به عموم آمریکائیان، وعده « جنگ تمدن ها » یا جنگ با اسلام به بنیادگراهای آمریکایی. بدین خاطر بود و هست که بوش و حکومت او، از لحاظ حمایت از اسرائیل، طی نیم قرن، مقام اول جست و بی بدیل شد.

۷- سلطه سلطانیهای اسلحه بر حکومت آمریکا و تحمیل « جنگ پیشگیرانه » بنسبانه روش محافظه کاری جدید و بنیادگرا.

۸- عامل هشتم، فقدان بدیل مستقل و جانبدار آزادی و استقلال در عراق و تحمیل بدیل وابسته و استفاده از ضد اطلاعات دست ساخت این بدیل در فریب افکار عمومی. علای و چلبی و نقش آنها در فریب افکار عمومی غرب، نسبت به طرز فکر و روحیه و احساسات مردم منطقه بطور عام و مردم عراق بطور خاص. طر ف این که پس از آنکه ارتش آمریکا از مهار عصبان در عراق ناتوان شد، چلبی را به جاسوسی برای ایران متهم کرد و مأموریت او را فریب دادن حکومت آمریکا و برانگیختن این حکومت به جنگ با رژیم صدام، خواند!

۹- عامل نهم غفلت بس شکفت حکومت آمریکا از اثر انقلاب ایران بر مردم منطقه و همه جای جهان بود و هست. تبلیغات دروغ دور راس از سه رأس انقلاب ایران و نیز « اصلاح طلبان » در باره بیزاری مردم ایران و مردم منطقه از انقلاب ایران، آمریکا و انگلستان و اسرائیل را گرفتار چنان وهمی کرد که بابت آن، هنوز و باز می باید بپردازند.

امروز که آمریکا و مؤلفانش در عراق و ناتو در افغانستان از مهار عصبان ها ناتوان شده اند، تازه روزنامه دست راستی فیکارو به خود می آید (عراق، افغانستان، لبنان، پایان تفوق نزدیک به چهاردهه سرکوب پوشانده

بود. پس حمله آمریکا به عراق کار بجائی بوده است و به قول مارکس نظام اجتماعی عراق را از حالت ایستا بیرون برده و تحول پذیر کرده است! این مقایسه، مقایسه ای صوری است. توضیح این که

الف - راست است که بر اثر تجاوز آمریکا و انگلستان و... به عراق، مواد چرکین بیرون زده است

اما ب- فرقی است میان انقلابی که، در آن، کل بر گلوله پیروز شد. هرگاه بخشی مسلط در رهبری انقلاب، و دولت موقت بیان آزادی را اندیشه راهنما می کردند و همسو با انقلاب و هدف آن، بجای باز سازی ستون پایه های قدرت، با تغییر ساخت دولت و تحول پذیر کردن نظام اجتماعی، در خشکاندن مواد چرکین می کوشیدند، پیروزی کل بر گلوله دیر با می گشت. چ - از جهت روش عمل، مشابهت وجود دارد. زیرا هم در عراق و هم در افغانستان، حکومت آمریکا اندیشه راهنمای قدرتمنداری و گرایشهای زورمدار را بکار گرفت و غافل شد که به دست خود، مرداب می سازد و خود را در آن غرق می کند. همان سان که حکومت موقت، نادانسته و بسا با حسن نیت، با بازسازی و ایجاد ستون پایه های قدرت (از قبیل سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و...) خود و انقلاب را در مرداب قدرتمنداری فرو برد.

۲- در مورد اصلاح و انقلاب در یک میزان نهادن و ترجیح را به اصلاح دادن نیز از اصل این همانی در منطق صوری استفاده شده است و می شود: بنابر اصل اینهمانی یا عدم تناقض صوری، اجتماع متناقضان، در صدق و کذب، محال است. اما این حکم، در نشانیدن ساخته ذهنی بر جای واقعیت و بخصوص، در ساختن فکر و روش راهنمای قدرتمنداری بکار می آید.

توضیح اینکه:

دروغ بدون تناقض وجود ندارد. انسانها، بنابر فریب منطق صوری، از تناقض و بسا تناقض های موجود در قول دروغ غفلت می کنند. در حقیقت، دروغ پوشانیدن واقعیت است. پوشش دروغ با واقعیتی که می پوشاند در تناقض است. با وجود این، با آن جمع شده است. اما این جمع شدن، صوری است. بدین توضیح که صورتی از دروغ واقعیت را می پوشاند. بسا همان پوشش و یا ساخته ذهن و بسا واقعیت دیگری را جانشین واقعیتی می کنند که می خواهند دیده نشود. بدین قرار، " انقلاب خشونت است " و " اصلاح عدم خشونت است ". در نتیجه، " انقلاب بد و اصلح خوب است ". سه حکم دروغ هستند. هر یک از آنها، اجتماع متناقضانند:

الف - خشونت و عدم خشونت دو روش هستند. حال آنکه انقلاب تغییر ساخت است. و اصلاح تغییر ساخت است. و رفع نواقض آنست. بدین سان، با بکار بردن منطق صوری، دو معنی ساخته ذهن، جانشین دو معنایی شده اند که انقلاب و اصلاح دارند. هر حکم واجد دست کم دو تناقض است:

الف - انقلاب خشونت است، بنابر محال بودن اجتماع متناقضان، با انقلاب که عدم خشونت است جمع نمی شود. خشونت هایی را که عقل مشاهده می کند او را متقاعد می کنند که قضیه « انقلاب عدم خشونت است » را کذب بشمارد و امکان خشونت آمیز نبودن انقلاب را هم از خود می راند، چه رسد به راست تلقی کردن « انقلاب خشونت زدائی است ». در مورد اصلاح نیز، پیروی از منطق صوری، عقل را از تصور امکان خشونت آمیز بودن اصلاح، ممنوع می کند. حال آنکه، درعمل، هم در انقلاب و هم

در اصلاح، دو روش، یکی خشونت و دیگری عدم خشونت بکار می روند. با این تفاوت که اگر پایه نظام جامعه قدرت باشد، ممکن نیست خشونت روش نگردد و باز ممکن نیست بتوان عدم خشونت را روش کرد چه رسد به خشونت زدائی.

ب- دو نا یکسان، یعنی انقلاب و اصلاح، در تعریف، یکسان و قابل مقایسه می شوند. بیشتر از این، هر یک از این دو معنایی را پیدا می کنند که عقل قدرتمندار به آنها می دهد و جانشین معنای واقعی می کند.

ج- تناقضی، که عقل آزاد آن را آشکار می بیند و عقل قدرتمندار نمی بیند، اجتماع دو معنای نا یکسان انقلاب و اصلاح در یک معنا است. اما معنایی که جعل کننده، با بکار بردن منطق صوری، به انقلاب و اصلاح می دهد هم با معنایی که انقلاب دارد و هم با معنایی که اصلاح دارد، ناسازگار است. از این رو، جاعلان این حکم از تعریف شفاف گریزان اند.

د- و از آنجا که انقلاب و اصلاح، بر وفق منطق صوری، به خشونت و عدم خشونت، که چشم می بیند، تعریف می شوند، بسا می شود که این منطق، هر دو را، از معنی ای که دارند تهی می کند. چنان که کلمه انقلاب، خشونت و کلمه اصلاح، عدم خشونت را به ذهن متبادر می کنند.

بیان آزادی را نیز بدین روش در بیان قدرت از خود بیگانه می کنند و هر قدرتی، بدین روش، کلمه های طیبه را در کلمه های خبیثه از خود بیگانه می کند و در باور انسانها، عناصر ناسازگار با قدرت را با عناصر سازگار با آن، جانشین می سازد. و هنوز:

ه- بنا بر نا ممکن بودن اجتماع نقیضان، « اصلاح عدم خشونت است » با « اصلاح خشونت است »، جمع نمی شوند. و چون انقلاب خشونت است، پس، اصلاح عدم خشونت است!

بدین قرار، عقل قدرتمندار حکمی را می سازد و، بدان، نه تنها خشونت را محور فعال و محک تشخیص اصلاح از انقلاب می کند، نه تنها معنای انقلاب و اصلاح را قلب می کند، نه تنها دو واقعیت، یکی اصلاح طلبی را پوشش بکار گرفتن تمایلهای زور پرست در باز سازی ستون پایه های قدرت کردن و دیگری انقلاب که خشونت زدائی است، خشونت معنی کردن را از دید عقل خود و عقل جامعه می پوشاند، بلکه دو دروغ بزرگ را به خود و به جامعه، حقیقت می باوراند.

انقلاب خشونت است و اصلاح عدم خشونت است، دو حکم ساخته ذهنی هستند که می خواهند موقع و موضع خویش را توجیه کنند. هر دو حکم، واقعیت خارجی ندارند. زیرا بنا بر توضیحی که داده شد، با آنکه انقلاب تغییر ساخت است و خشونت زدائی است، در آن، خشونت در کار می آید و با آنکه اصلاح تعمیر ساخت است، در آن، خشونت نیز بکار می رود. با این تفاوت بزرگ: هرگاه نظام اجتماعی - سیاسی باز و تحول پذیر باشد، اصلاح از بار زور موجود در رابطه ها و بنا بر.



## پایان تفوق

## استراتژیک غرب - عراق در تجزیه و جنگ داخلی - اعترافها به شکست و پیشنهادها :

انقلاب اسلامی : نظرها و اطلاعات مربوط به این فصل را در سه قسمت گرد می آوریم : در قسمت اول ترجمه مقاله ای را می خوانید از آرنولد دولا گرانز ، روزنامه نگار فیگارو در بخش سیاست خارجی و امور نظامی و در قسمت دوم جریان تجزیه عمومی عراق و جنگ داخلی همه با هم که جریان تجزیه آن را تشدید می کند و در قسمت سوم خبرها و اطلاع ها و نظرها در باره تقلاي حکومت بوش برای رها شدن از بن بست عراق را می یابید :

## بمناسبت اجتماع سران ناتو : تفوق استراتژیک غرب پایان یافته است. لذا عمر ناتو بسر آمده و تضاد را با تفاهم طلبی می باید جانشین کرد :

گزارش - تحلیل از روزنامه نگار فیگارو ( ۲۹ نوامبر ۲۰۰۶ ) ، آرنولد دو لا گرانز است :

از جنگ پورت آر تور که در سال سرد ۱۹۰۵ پایان یافت و جنگ فالوچه که راست بخواهی پایان نیافته است، یک قرن فاصله است . یک قرن طولانی که در آن نقاط مشترک کم است و جنگ خود سریعتر از جامعه هائی تحول کرده است که جنگ تکان نشان داده است . با وجود این، این دو جنگ ، بریدن استراتژیک بس عمیقی را گزارش می کنند و مظهرش هستند : پورت آر تور نخستین شکست غرب ، از خصمی از دنیای دیگر، کشوری آسیائی ، در یک جنگ مدرن بود . شکست در فالوچه و هزار و یک جبهه در منجلاب عراق ، نخستین شکست غرب در جنگهای معروف به فرا مدرن است . در هر دو مورد، پی آمدها عظیم هستند . از جمله، در ناخودآگاه ملتها ، برداشت جدیدی از روابط قوا را به ثبت می رسانند . امروز، از بیروت تا بغداد و از بغداد تا کابل ، همه می دانند که قدرت غرب اگر نگوئیم شکست خورده است، دست کم در میان گرفته شده و بی اثر گشته است.

ظرف ۳ سال، همه چیز تغییر کرده است . جنگ سرد یک پیروز در همه بخش های سیاسی و اقتصادی و نظامی داشت . بنظر می رسد حق با دیپلماسی نظامی شده آمریکا است . بمب هدایت شونده توسط لایز پارادیم جدید هنر جنگ شده بود . جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ و سیلی

## عراق متلاشی و خونین

تفاوت نگذاشتن میان مردم عادی و جنگجویان ، « تصرف قلبها » را بس مشکل کرده است . قوای آمریکا در عراق و قوای ناتو در افغانستان، بی اعتناء به حاکمیت این دو کشور، بدون هرگونه کنترل، در امن کردن این دو کشور ، هر کار را که لازم بدانند، انجام می دهند بی آنکه ثباتی بوجود آورند . این قوا دستور العمل های الکی بکار می برند که در دراز مدت ناکامی و معطوود شدن بیار می آورند . اگر در نبردها، نابرابری فنی و تجهیزات در کاهش است، در عوض، نابرابری از لحاظ روحیه در حال افزایش است . توضیح این که روحیه پیروز شدن در سرباز غربی رو به ضعف و روحیه پیروز شدن پشتونها در افغانستان و سنی ها در عراق رو به قوت است . زمان نیز از آن پشتوها و سنی های عراق است . بعکس غربیها که حریص پیروزهای سریع هستند، آنها با شکیبائی، پیروزی خویش را در دراز مدت، نذارک می کنند .

بدین قرار، معادله استراتژیک، از هر جهت، به زیان غرب برهم خورده است : از لحاظ جنگ غیر معمول ، توان گرفتن یک توریسم جهانی شده و از نظر جنگ معمول، با ناتوانی قوای آمریکا و ناتو در مهار عصیانهای عراق و افغانستان و نیز شکست دردناک ارتش اسرائیل در لبنان که از دنیای خیال بدرش آورد و از جهت استراتژیک ، با ورود محتمل کشورهای دیگر به باشگاه کشورهای دارای سلاح اتمی . و بخصوص ، در عصر جریان هر چه وسیع تر اطلاعات ، غربی ها خود را در وضعیتی می بینند که بدتر از وضعیت شکست است : عدم پیروزی . انقلاب اسلامی : عدم پیروزی تنها نیست . ویرانی عظیم و کشتار بزرگ و به تأخیر انداختن جریان تحول جامعه هائی که قربانی تجاوز نظامی غرب شده اند نیز هست :

## در مدار بسته بد و بدتر، جریان جنگ داخلی جریان تجزیه را و این جریان، بنوبه خود، جریان جنگ داخلی عراق را تشدید می کنند:

### \* عراق وارد مرحله جدید نمی شود، در جنگ داخلی است :

◀ واشنگتن پست (۲۸ نوامبر) جریان خشونت و جریان تجزیه عراق را این سان تشریح کرده است:  
\* بوش از ورود عراق به مرحله جدید و خطرناک سخن می گوید اما کوفی عنان بر اینست که عراق وارد آستانه جنگ داخلی شده است . او توضیح می دهد با توجه به وخامت بار تر شدن روز به روز وضعیت ، ما می باید کاری بکنیم و جهت تحول را تغییر بدهیم .

اما کوفی عنان ، هفته پیش وضعیت را تقریباً جنگ داخلی خوانده بود، در ۴ دسامبر، در گفتگو با بی بی سی، وضعیت عراق را « بدتر از جنگ داخلی » توصیف می کند . سطح خشونت ، شمار کسانی که کشته می شوند، غضب قوایی که بر ضد یکدیگر متشکل و مجهز می شوند ، نسبت به یکدیگر ، وضعیتی بدتر از وضعیت جنگ داخلی بوجود آورده اند . چند سال پیش ما به جنگ لبنان روبرو بودیم . آن جنگ را جنگ داخلی می خواندیم . آنچه در عراق با آن روبروئیم بسیار بدتر است .

زندگی عراقیها امروز سخت تر از زندگی آنها در دوران دیکتاتوری صدام شده است . اگر من یک عراقی متوسط الحال بودم، بدون تردید، چنین مقایسه می کردم . صدام دیکتاتور بود اما در زمان او کوجه ها امن بودند . مردم می توانستند از خانه هاشان بیرون بروند . بچه ها می توانستند به مدرسه بروند و به خانه بازگردند بدون اینکه پدر و مادر نگران زندگی آنها باشند .

کوفی عنان وضعیت را سخت وخیم توصیف کرد و از قدرتهای منطقه و جهان خواسته به عراقیها کمک کنند . من تردید دارم که رهبران عراق بتوانند به تنهایی عراق را از چنین وضعیت وخیمی بیرون آورند . با وجود این، وظیفه آنها است که با یکدیگر متحد شوند و در بیرون بردن کشورشان از این وضعیت بکوشند . البته نیاز به کمک هم دارند .

او از این که نتوانسته است مانع از وقوع جنگ شود، ابراز تأسف می کند .

\* مشاور امنیتی بوش، استفن هادلی به روزنامه نگارانی که بوش را در سفرش به استونی همراهی کرده اند، گفته است : گفتن ندارد هرکس می داند وضعیت در جهت مطلوب و با سرعت تحول نمی کند و آمریکا می باید راه تطبیق با آن را بیابد . حتی از زمان شروع جنگ در ۲۰۰۳، دیپلماسی در پی آنست که استراتژی درخوری برای مهار خشونت در عراق و پی آمدهایش در منطقه بیابد .

با همه اصراری که کاخ سفید می کند که عراق گرفتار جنگ داخلی نیست ، او دفاعش از این موضع سخت تر می شود . بنا بر قول تحلیل گران و دیپلماتها و حتی برخی از مقامهای حکومت بوش در گفتگوهای خصوصی، عراق گرفتار جنگ داخلی شده است .

\* در همان حال که مالکی، نخست وزیر عراق نیز می گوید عراق گرفتار جنگ داخلی نیست . حکومت در حل مسائل عمده موفقیت هائی را بدست آورده است و دارد بطرف حفظ یکپارچگی عراقی رها از بند خشونت پیش می رود .

اما یک رهبر عراقی دیگر جز این می گوید . او که عضو حکومت مالکی است، می گوید : وضعیت بدتر از وضعیت جنگ داخلی است . در جنگ داخلی، شما می دانید چه گروهی با چه گروهی می جنگد . حال این که در عراق ، همه با همه می جنگند . آنچه ما می بینیم جنگ مغلوبه ای در خون است .

\* عربستان سعودی بحدی نگران عواقب زیان بخش جنگ در عراق برای منطقه است که دیگ چنی ، معاون ریاست جمهوری آمریکا ، را به

گفتگو در تعطیلات آخر هفته خوانده است .

\* یک مقام بلند پایه اطلاعاتی آمریکا می گوید : افراد مسلح روحانی رادیکال، مقتدی صدر، از جنگ بدین سو، پر شمار شده اند و امروز ، میان ۴۰ تا ۶۰ هزار نفر هستند . این نیرو توانا تر از ارتش دولت عراق است . زیرا ارتش عراق ۱۳۴۰۰۰ تن نفرت دارد . از این عده، نیمی بکار حفاظت از تأسیسات و بناها و ایستگاه ها مشغولند . از نیم دیگر، تنها ۱۰ هزار تن، در ۱۰ گردان آمادگی رزمی پیدا کرده اند .

صدر بقدری نیرومند است که اگر حالا در جنوب عراق و ناحیه بغداد انتخابات بشود، اکثریت را خواهد برد . \* مالکی، نخست وزیر عراق، نیروی مسلحی که از او فرمان برد، در اختیار ندارد . او وابسته به صدر است و با حمایت ۳۰ نماینده طرفدار صدر نخست وزیری بیافته است .

مالکی بر این نظر است که هرگونه گفتگویی با ایران و سوریه می باید توسط حکومت عراق انجام بگیرد و نه آمریکا .

### \* در صورت تجزیه، عراق گرفتار جنگ همه با همه می شود :

◀ لوس آنجلس تایمز ( ۲۸ نوامبر ) گزارش پیرامون جریان تجزیه عراق و وضعیتی که در صورت اجرای قانون مصوب مجلس عراق پیش خواهد آمد انتشار داده است :

\* قانون تشکیل دولت فدرال را مجلس عراق با ۱۲۵ رأی تصویب کرده است . از این رو ، قانون ضعیفی است . با توجه به وضعیت کنونی ، اجرای قانون سبب تجزیه عمومی عراق و فراگیر شدن خشونت می شود . زیرا

\* در شمال، ناحیه کرد نشین که حکومت و ارتش دارد و بر آنست که برای خود نیروی هوائی تهیه کند ، غیر از دو گانگی بارزانیها و طالبانیها، اقلیت های قومی در این منطقه ساکن هستند که اگر نخواهند تحت حکومت کرد زندگی کنند، مشکل ساز می شوند .

در شرق ایران و در شمال ترکیه را بعنوان همسایه دارد . نخست وزیر ترکیه به مسعود بارزانی گفته است خیال تشکیل دولت را از سر بدر کنید . آمریکا رفتنی و ما ماندنی هستیم و به شما اجازه ایجاد دولت مستقل را نمی دهیم . در غرب و جنوب با منطقه سنی نشین همسایه است که بپیچ رو حاضر نیست نفت شمال عراق را به کردها واگذار کند . هرگاه کردها نتوانند بخشی از موصل و کرکوک را به خود ضمیمه کنند، دستشان از منابع نفت کوتاه خواهد شد . به سخن دیگر، در صورت تجزیه، چشم انداز آینده، چشم انداز تشدید جنگ و اشکال دیگر خشونت است .

\* اما در منطقه سنی نشین ، هم اکنون گروههای مسلح متعلق به بعثی ها و ملی گراها و نیز القاعده و طوائف وجود دارند . در منطقه بغداد شیعه و سنی ساکنند . در صورت تجزیه عراق، پاک سازی مذهبی شیعه ها را مجبور می کند به جنوب عراق کوچ کنند . با وجود این ، بر سر تسلط بر منطقه در صفحه ۴



سنی نشین، جنگ مسلحانه میان گروههای مسلح اجتناب ناپذیر می شود.

\* فرض اینست که منطقه بغداد یا وضعیت خصوصی خاص بیاید و یا شیعه ها به جنوب عراق کوچ کنند. با توجه به منطقه نفوذهایی که بوجود آمده اند، در جنوب عراق، دو منطقه خود مختار بوجود می آید: یکی با مرکز بصره و دیگری با مرکز نجف. منطقه خود مختار با بصره بعنوان مرکز، از آن گروه مقتدا صدر می شود و بر منابع نفتی عظیم عراق تسلط می جوید. منطقه دوم تن به محروم شدن از منابع نفت را نمی دهد و احتمال برخورد مسلحانه میان شیعه با شیعه بسا قطعی است.

◀ طالبانی که در ۲۷ نوامبر وارد تهران شده، در این شهر، آمریکا را بخاطر توسعه تروریسم در عراق، مورد سرزنش قرار داده است.

انقلاب اسلامی: در صورتی که قشون آمریکا می خواست نقش آزاد کننده را بازی کند، فضای سیاسی بسته دوران صدام را باز می کرد. بدیهی است، در این فضا، زورپرستها نمایان می شدند. اما بجای استفاده از آنها در ایجاد دولت و... می باید بیشترین عرصه را به مردم عراق می داد و هرگونه فرصت را از گروههای زور پرست و وابسته می ستاند. اما هدف آمریکا ایجاد تعادل ضعفها از راه رویارو کردن گروه های مسلح شیعه و سنی و کرد شد. آمریکا خواستار یک دولت ضعیف و یک عراق ناتوان بود. غافل از اینکه وضعیتی که بوجود می آورد، منجلابی می شود که قشون و اعتبار «تنها ابر قدرت جهان» در آن فرو می رود.

### \* جنگ داخلی در ماههای

#### آینده تشدید می شود:

◀ فاینشال تایمز (۳۰ نوامبر) در باره جنگ داخلی عراق، این اطلاعات را انتشار داده است:

\* بنا بر گزارش یک گروه «ایده ساز» واشنگتن، با توجه به تلفیقی که حکومت بوش از تدابیر مختلف بعمل آورده و بنا دارد در عراق بکارشان برد، در ماههای آینده، جنگ داخلی عراق بطور معنی داری وخامت بارتر خواهد شد.

بنا بر گزارش، مشکل اینجاست که حکومت بوش راست نمی گوید. برای مثال، می گوید ۱۰۰ واحد نظامی عراقی را تعلیم و تربیت داد و آماده کرده است. در واقع، یک سوم قول وزارت دفاع اگر واقعیت داشته باشد. \* باز این امر که آمریکا می تواند به مالکی فشار بیاورد تا که او گروه بندی های متخاصم عراق را آشتی دهد، خیال بافی است. در واشنگتن، اجماع بر اینست که آمریکا می باید به نخست وزیر عراق فشار آورد گروههای مسلح را خلع سلاح کند و شیعه و سنی را آشتی دهد.

تونی کوردسمن، محقق مرکز مطالعات استراتژیک و یکی از بانفوذترین تحلیلگران جنگ داخلی عراق و تهیه کننده گزارش می گوید: سرزنش کردن عراق بخاطر مسائل موجود بی معنی است. این مسائل ناشی از اشتباه های ما در ساختن ملت هستند. وقتی شما گلوله ای به دکان چینی فروشی پرتاب می کنید، دیگر نباید چینی ها را سرزنش کنید که چرا می شکنند.

\* گزارش می گوید: تنها راهی که، برای تثبیت وضعیت عراق، آمریکا

## عراق متلاشی و خونین

نزاع هستند. و با در ویتنام، شهرها امنیت داشتند و در عراق ندارند. مراکز استانها امن بودند و تا مدت ها سال، من می توانستم غیر مسلح رفت و آمد کنم بدون این که با مزاحمت جدی روبرو شوم. اما در عراق، پایتخت نیز بسی نا امن است. بسا یکی از ناامن ترین مناطق کشور است.

بنظر او عراقیها مسئولیت بیشتری در قلمروهای امنیت و دفاع از کشور می باید برعهده بگیرند. کلید مشکل گشا بغداد است. زیرا خشونت در این شهر بیشترین است. قوای ما می باید نقش حمایت کننده پیدا کنند و در ماههای آینده، ابتکار عمل می باید با قوای عراق باشد و قوای آمریکا از آنها حمایت کنند.

◀ لوموند (۲۸ نوامبر) اطلاع می دهد که بنا بر یک گزارش فرماندهی تفنگداران دریایی آمریکا تهیه کرده است، ارتش آمریکا دیگر قادر به ختنی کردن شورشی نیست که منطقه الانبار را به خون کشیده است. و نیز نمی تواند مانع از قوت گرفتن و محبوبیت جست القاعده بگردد. گزارش با اشاره به مشکلاتی که ارتش در این منطقه با آنها روبرو است، خاطر نشان می کند که مسئله فقدان کنترل و توسعه شورش و افزایش جرائم، سخت تر می شود. اقلیت سنی که در این ایالت، واقع در غرب عراق، زندگی می کند، زیر تهدید اکثریت شیعه، زندگی روز به روز پیدا کرده است.

لذا، بیش از پیش، القاعده را تنها حامی خود و تنها مانع بر سر سلطه ایران بر عراق تلقی می کند. از دید سنی ها، چه راست باشد و خواه راست نباشد، ایران بغداد را کنترل می کند و ایالت الانبار به حال خود رها شده است.

اما امید بستن به ارتش آمریکا و کمک کردن به آن خردمندانه نیست. زیرا احتمال آن وجود دارد که پیش از تثبیت وضعیت در عراق، خاک این کشور را ترک گویند. میان خشونت القاعده و نفوذ ایران در عراق و چشم انداز تخلیه عراق از قوای آمریکا، سنی ها القاعده را ترجیح می دهند. این سه عامل وضعیت اجتماعی و سیاسی را چنان وخامت بار کرده اند که قوای آمریکا و قوای عراق دیگر قادر به فرو نشاندن عصیان در ایالت الانبار نیستند.

در این ایالت، از اول سپتامبر بدین سو، ۹۰ قشونی آمریکایی کشته شده اند. ◀ خبرگزاری فرانسه (۲۸ نوامبر) اطلاع می دهد که این گزارش ۵ صفحه ای در ماه اوت تهیه شده است. از آن پس، وضعیت بدتر شده است. برای پایان دادن به عصیان، نیز به ۱۵ تا ۲۰ هزار قوای آمریکای دیگر و

میلیاردها دلار هزینه است. در حال حاضر، در برابر عصیان، از قوای آمریکا کاری ساخته نیست. گزارش قوای القاعده را نیروی متفوق ایالت توصیف می کند که از مقامات محلی بسیار نیرومند تر هستند.

◀ اسکادران های مرگ: افراد این اسکادرانها «شبه نظامی» هستند اما لباس نظامی می پوشند و کارشان دستگیر کردن «تروریستها» است. شیعه هستند و در دستگیری هرکس که تروریست تشخیص دهند، خود کامه. بخشهایی از عراق که سکنه شان از شیعه ها و سنی ها ترکیب می یابد، شیعه ها تحت حمایت و سنی ها تحت تعقیب این اسکادران ها هستند.

### اختلاف بوش و مالکی -

#### رابطه آمریکا با ایران و

#### سوریه بر سر عراق -

#### سعودیها تهدید می کنند

#### از بعثیها حمایت کنند -

#### اعترافهای گیت و

#### رامسفلد به شکست و

#### پیشنهادهای کمیسیون

#### بیکر - هامیلتون:

#### \* دیدار بوش - مالکی در عمان،

#### بعد از انتشار ارزیابی که کاخ

#### سفید بعمل آورده و بنا بر آن،

#### مالکی ضعیف و متقلب و بی

#### کفایت است و متزلزل شدن

#### تصمیم آمریکا بر حفظ قوای

#### خود در عراق:

◀ بنا بر گزارشی که در ۲ دسامبر در رسانه های آمریکا انتشار یافته است، چهارشنبه شب، ۲۹ نوامبر، قرار بر ضیافت شامی بود که در آن، ملک عبدالله و بوش و مالکی بنا بود شرکت کنند. اما مالکی شرکت نکرد. این طور وانمود شد که او برای نشان دادن اعتراضش به بوش در ضیافت شام حاضر نشده است. اما او بیشتر از ملک عبدالله عصبانی بوده است تا بوش.

تحلیلگران بر این نظر هستند که مالکی به ملک عبدالله اعتماد نداشته و نمی خواسته است مسائل حساس در حضور او موضوع گفتگوهایش با بوش شوند.

گزارش هادلی، مشاور امنیتی بوش، که دو روزنامه نیویورک تایمز و واشنگتن پست انتشار داده اند، مالکی را نخست وزیری بی کفایت و ناتوان از اداره امور عراق معرفی می کند. از این رو، وقتی بوش، بعد از دیدار روز ۵شنبه با مالکی گفت: مالکی نخست وزیری است که عراق را بایسته است، سخن او بیش از یک ظاهر آرائی تلقی نشد.

هادلی در گزارش خود اصرار می ورزد مالکی باید برای قطع کردن با مقتدا صدر تحت فشار قرار گیرد و حزب الدعوه را به حال خود بگذارد و وزیران خویش را از کسانی برگزیند که معرف جامعه عراقی باشند. از جمله، باب تقاهم را با سنی ها و بعثی ها بگشاید.

اما بنا بر نظر تحلیلگران مالکی توانائی عملی کردن این تدبیرها را ندارد. از جمله به این خاطر که بدون حمایت طرفداران صدر در مجلس، او اکثریت خود را از دست می دهد. لذا فشار به مالکی بدون این که تواناییهایش افزایش داده شوند، محکوم کردن او به شکست است. آمریکا می باید به او کمک کند تا او پایگاه جدیدی مرکب از میانه روهای شیعه و سنی و کرد بیابد و خود را از وابستگی به گروههای رادیکال آزاد کند. این پایگاه اکثریت جدید و

بزرگی را در مجلس عراق بوجود می آورد و به اتکای این اکثریت، دست مالکی برای عمل باز می شود.

◀ در ۱ دسامبر، لوموند در باره دیدار ۳۰ نوامبر بوش و مالکی این گزارش را انتشار داده است:

دیدار در جوی عصبی و پر از بگو مگوها انجام شد. بوش حمایتی را از مالکی بعمل آورد که شبیه به انداختن طناب به گردن محکوم به دار بود. شب پیش از آن، مالکی در ضیافت شام ملک عبدالله شرکت نکرد و این امر، آمریکائیکها را سخت گران آمد. خودداری مالکی از شرکت در ضیافت انتشار گزارش محرمانه ای را پی آمد که مطبوعات آمریکا انتشار دادند. این گزارش مالکی را مردی ضعیف و بی کفایت و متقلب معرفی کرده است.

بوش و مالکی کوشیدند صورت ظاهر را حفظ کنند. بوش گفت:

مالکی مردی است که عراق را بایسته است. هر دو بر ضرورت شتاب بخشیدن به تعلیم و تدریب قوای نظامی عراق و سپردن بیش از پیش مسئولیت امنیت کشور به آنها، تأکید کردند. در بلبشوی عظیم عراق و کشت و کشتار روزانه ای که جماعت های مذهبی و قومی از یکدیگر می کنند، دو مرد که در کشورهای خود تحت فشار سخت هستند، کاری جز لبخند صوری نمی توانستند کرد.

بوش زیر فشار کنگره ای که اینک دموکراتها اکثریت آن را تشکیل می دهند و نیز کمیسویی از جمهوریخواه

ها و دموکراتها به ریاست مشترک بیکر و هامیلتون است که گزارش خود را در ۶ دسامبر انتشار می دهد. از هم اکنون، از راه رسانه ها، کمیسیون همگان را از پیشنهاد تخلیه عراق از ۱۴۴ هزار قوای آمریکا، آگاه می کند. البته پرزیدنت بوش، دبروز تخلیه عراق را از قوای آمریکا تکذیب کرد و گفت: من می دانم در واشنگتن، خیال می یافتند که گزارش راه بیرون رفتن ظرفیانه از عراق را پیشنهاد می کند اما این خیال بکلی از واقعیت تهی است. ما برای به انجام رساند کار خود، تا زمانی که حکومت عراق بخواهد، در این کشور می مانیم.

تقسیم کشور بر مبنای قومی و دینی منتفی است.

سست شدن اراده واشنگتن در حفظ قوای آمریکا در عراق را عراقیها نیک دریافته اند. مالکی در موضعی قرار گرفته است که نمی توان در آن ماند. او در دور باطلی گرفتار آمده است. حمایت نظامی آمریکا تنها تضمین بقای حکومت او است. و این تضمین، عدم محبوبیت او و شیعه ها را روز به روز بیشتر می کند.

آمریکائیکها به او فشار می آورند خشونت را مهار کند و او جز دوایر امنیتی وسیله ای در اختیار ندارد و این دوایر دست در این خشونت دارند. آمریکائیکها به او فشار می آورند گروههای مسلح را خلع سلاح کند اما این کار حکومت او را از حمایت ضرور محروم می کند و در همان حال، او را متهم می کند به اینکه آلت فعل آمریکا است.

برای اعتراض به دیدار مالکی با بوش، حزب نیرومند مقتدی صدر اعلان کرد که حکومت مالکی را ترک خواهد گفت. این حزب ۵ وزیر در حکومت مالکی دارد. در واشنگتن و بغداد، اعتبار سومین نخست وزیر عراق، از میان رفته است.

◀ بوش دو با عبدالعزیز حکیم در ۴ در صفحه ۵



دسامبر ملاقات کرد. او، با طارق هاشمی، معاون نخست وزیر عراق و رهبر بزرگ حزب سیاسی سنی ها در ماه ژانویه، در کاخ سفید، ملاقات خواهد کرد.

لوموند و خبرگزاریهای رویتر و فرانسه گزارش می کنند که حکیم، پس از دیدار با کندولزا رایس گفته است: مخالف بیرون رفتن قوای آمریکا از عراق و موافق سپرده شدن مسئولیتهای بیشتر به دولت و قوای مسلح عراق است.

سپس او با بوش در کاخ سفید دیدار کرد. پس از این دیدار،

\* حکیم گفته است: با کنفرانس منطقه ای و بین المللی بر سر عراق - موضوع پیشنهاد دبیر کل سازمان ملل - مخالف است. در عوض موافق آنست که مشکل عراق توسط عراقیها با برخورداری از حمایت دوستانش حل شود. او پیشنهاد می کند عراق با همسایگانش توافق هائی بقصد مبارزه با تروریسم بعمل آورد تا که تروریستهای که از برابر قوای عراق به خاک آن کشورها می گریزند، به عراق بازگردانده شوند و برای تروریستها نماند. اما بوش با دخالت دادن ایران در حل مشکلات عراق مخالف است.

\* و بعد از دیدار با حکیم، بوش گفته است: من به او گفتم ما از کندی پیشرفتها در عراق راضی نیستیم و ما می خواهیم با دولت مستقل عراق در رسیدن به هدفهای مشترک، همکاری کنیم. ما در باره هرچه سریع تر در اختیار دولت عراق گذاشتن وسائلی گفتگو کردیم که به این دولت امکان می دهد خواستههای مردم عراق را بر آورد. یعنی مردم را از افراطیها و آدم کشها حفظ کند.

◀ آسوشیتدپرس (۳۰ نوامبر) گزارش کرده است که مالکی، در درون حکومت خود نیز گرفتار عصیان شده است: از جمله دو معاون نخست وزیر سنی، در انتقاد از سیاستهای او، به نمایندگان شیعه و اعضای حکومت مالکی پیوسته اند.

طارق الهاشمی، معاون نخست وزیر، او خواهان آنست که حکومت مالکی برود و حکومت دیگری بر پایه ائتلاف جدیدی، با این تضمین که تصمیم های دستجمعی گرفته خواهند شد، شکل بگیرد.

او به آسوشیتدپرس می گوید: روشن است که نامنی بیشتر می شود و همه چیز در جهت غلط به پیش می روند. وضعیت هرچه زودتر می باید تغییر کند. اگر نه کشور در جنگ داخلی غرق می شود.

معاون دوم المالکی، سلام زکام الضوبائی که سنی است می گوید: حکومت مالکی از برچیدن بساط فرقه بازی ناتوان شده است.

بایکوت ۳۰ نماینده و ۵ وزیر عضو سازمانی که مقتدی صدر ضد امریکائی آن را رهبری می کند، در اعتراض به دیدار مالکی با بوش در عمان، عصیان دیگری است. مالکی از آنها خواسته است تحریم حکومت او را لغو کنند و به توافقی که بهنگام تشکیل حکومت بعمل آورده اند، وفادار بمانند. او در مراجعت به بغداد، گفت: امیدوار است صدر و همکارانش در تصمیم خود تجدید نظر کنند.

رابطه آمریکا با ایران و سوریه،  
آنهم از راه باتلاق عراق!:

◀ نیویورک تایمز (۲۸ نوامبر) نوشته است:

## عراق متلاشی و خونین

نداشته و پرچمدار حمایت از متجاوزان به حقوق مردم فلسطین بوده است.

عراق را ببینید، از زمان حضور دولت آمریکا در عراق تاکنون بیش از ۱۵۰ هزار نفر از مردم عراق کشته و صدها هزار نفر آواره گشته اند و تروریسم در عراق به شدت توسعه یافته است، با حضور دولت آمریکا در عراق هیچ

قدیمی در ترمیم ویرانی ها، ساخت زیربناها و رفع فقر برداشته نشده است شما خود شنیده اید که دولت آمریکا مخالفان خود را از نقاط مختلف جهان شکار و بدون محاکمه و بدون نظارت بین المللی در زندانهای مخوفی که در اقصی نقاط جهان ایجاد کرده است، نگهداری می کند. خدا می داند

این زندانیان چه کسانی هستند و به چه سرنوشت تلخی گرفتار شده اند. (۲)

شما خود شاهد هستید هر روز، به بهانه مبارزه با تروریسم، آزادی های مدنی در آمریکا محدود می شود. حتی حریم شخصی افراد معنای خود را از دست می دهد. قوانین قضایی و حقوق اساسی زیر پا گذاشته می شود. تلفن ها

شوند و هر فرد مشکوک دستگیر و یا حتی در خیابانها مورد ضرب و شتم واقع و یا با گلوله کشته می شود. من مطمئن هستم ملت آمریکا این نوع برخوردها را نمی پسندد و از این نوع رفتارها بیزار و خشمگین است. (۳)

همه ما تروریسم را محکوم می کنیم چرا که قربانیان اصلی تروریسم مردم بی گناه هستند ولی آیا با جنگ و ویرانی و کشتن صدها هزار انسان بی گناه می توان تروریسم را مهار کرد؟ اگر چنین امری میسر بود، پس چرا مشکل حل نشده است؟ (۴)

انقلاب اسلامی: چند توضیح کوتاه بعنوان خاطر نشان کردن این واقعیت که زورپرستان، واقعیتی که هستند را با صورتی که می سازند، می پوشانند:

۱- اگر این صدها هزار ایرانی مردمی هستند که با صلح و صفا و در خدمتگزاری زندگی می کنند، چرا رژیم ملاتاریا آنها را از ایران گریزانند؟ چرا رژیم مافیاهای نظامی - مالی مغزها را می گریزانند؟

۲- بدیهی است عمل حکومت آمریکا جنایت است اما رژیم مافیاهای نظامی - مالی ایرانیان را می رباید و سر به نیست می کند. نامه احمدی نژاد معلوم می کند که با علم به جنایتکارانه بودن این عمل، رژیم مافیاهای بدن دست می زند. جنایتی مضاعف است زیرا بنام دین دست به جنایت می زند.

۳- از همه گویا تر و زهر خند آورتر، شکایت احمدی نژاد به مردم آمریکا از حکومت بوش بخاطر تحدید آزادیها است. پس می داند چنین عملی تا کجا مجرمانه است و سالها است بعنوان عمده رژیم به سرکوب مردم ایران مشغول است. پس می داند و از وقتی بعنوان آلت مافیاهای عنوان رئیس جمهوری یافته است، سرکوب دانشگاهیان و روزنامه نگاران و بسا روحانیان مخالف تجاوزها به حقوق بشر و آزادیها تشدید شده است.

۴- و کسی که سالها به فعالیتهای تروریستی مشغول بوده است، دم از مخالفت با تروریسم می زند! طرفه این که می داند تروریسم راه بجائی نمی برد. به سخن دیگر می داند ترورها و اعدامها و آدم ربائی ها و داغ و درفشها رژیم محکوم به سقوط

مافیاهای نظامی - مالی را نجات نمی دهند.

\* جان بولتون، نماینده آمریکا در سازمان ملل، در پاسخ به سؤال خبرنگاران در مورد نامه احمدی نژاد گفته است: من نامه را نخوانده ام اما می دانم که تنها پنج صفحه است و نه ۱۸ صفحه مثل نامه قبلی و فکر می کنم که این یک گام به جلو باشد.

\* عربستان سعودی تهدید می کند که در صورت تخلیه عراق

از قوای آمریکا، با دادن اسلحه و پول از سنی های عراق حمایت خواهد کرد:

◀ پیش از انتشار گزارش کمیسیون راه حل یاب برای عراق، در ۲ دسامبر، دانسته بود که کمیسیون پیشنهاد می کند نقش اول به دیپلماسی در منطقه داده شود. اما مهمترین گزارشی که در این هفته در واشنگتن انتشار یافت، گزارش استفن هادلی، مشاور امنیتی بوش در نیویورک تایمز و واشنگتن پست بود. بنا بر این گزارش، از جمله تهدید های دولت سعودی، یکی اینست که هرگاه آمریکا شروع به بیرون بردن قوای خود از عراق کند، عربستان سعودی با دادن پول و اسلحه از شورشیان سنی عراق حمایت خواهد کرد.

نواف عبید مشاور ملک عبدالله خاطر نشان می کند که، پیش از حمله آمریکا به عراق، او به بوش هشدار داده بود که حمله به عراق و ساقط کردن رژیم صدام، بیشتر از آنچه مسئله حل کند، مسئله ایجاد می کند.

از سال گذشته بدین سو، سنی های عراق بطور مداوم از عربستان می خواهند از آنها حمایت کند. مانع از گسترش نفوذ ایران بگردد. رؤسای طوایف و رهبران مذهبی عراق و نیز دولتهای مصر و اردن و دیگر کشورهای اسلامی از عربستان می خواهند با دادن اسلحه و کمک مالی از سنی های عراق حمایت کند. کنفدراسیون قبائل عربستان که پیوندهای نزدیک با قبائل عراق دارند از دولت سعودی می خواهند به عمل برخیزد.

عبید می گوید تا این زمان، دولت سعودی این تقاضاها را اجابت نکرده است. زیرا به پرزیدنت بوش قول داده است در امور عراق مداخله نکنند

و نیز مطمئن نبوده است گروههای سنی که کمک دریافت می کنند، به قوای آمریکا حمله نخواهند کرد. اما اگر قوای آمریکا بخواهند عراق را ترک کنند، دولت سعودی دست بکار کمک مالی و تسلیحاتی به سنی های عراق خواهد شد.

نه تنها همانطور که ایران شیعه عراق را مسلح می کند، سنی های عراق را مسلح خواهد کرد، بلکه با باز کردن شیرهای نفت و بالا بردن صادرات نفتی خود، قیمتهای نفت را خواهد شکست بطوری که ایران توانائی مالی و تسلیحاتی حمایت از مؤلفان عراقی خود را از دست بدهد.

عبید می گوید: عربستان می داند باید بساط جنگ را برچید اما در صورتی که آمریکا قوای خود را از عراق بیرون برد، چاره دیگری نمی

ماند. زیرا کمک نکردن به سنی ها، اجازه کشتار شدن آنها را دادن است.

تهدید عربستان نه تنها پهنای وحشت متحدان آمریکا در منطقه را بیان می کند، بلکه اراده به راه انداختن جهاد در دفاع از سنی های عراق را نیز گزارش می کند. دانستنی است که رژیمهای عرب در داخل با رادیکالهای جامعه های خود سر و کار دارند و نمی توانند ابتکار عمل را به آنها بسپارند.

همانطور که آنتونیو گرامشی هشدار داده است: ما امریکائیها باید بدانیم نظم قدیم مرده است اما نظم جدید نمی تواند تولد کند.

هر دو گزارش کمیسیون بیکر و هادلی تأکید می کنند که عراق غرق بلبشو است.

◀ فایننشال تایمز (۲۹ نوامبر) شرحی در باره تکرانهای کشورهای سنی از نقش ایران در عراق و بقیه منطقه، نوشته است:

\* کشورهای عربستان و اردن و مصر از بسط نفوذ ایران در کشورهای عرب آشفته خاطر گشته اند. آنها مایوس هستند که آمریکا بتواند مانع از گسترش نفوذ ایران در عراق شود.

بنا بر قول مقامهای اردن، پیام کشورهای عرب که توسط ملک عبدالله به بوش اظهار شد، اینست که مهار خشونت در عراق، از راه گفتگو با ایران و سوریه حل نمی شود بلکه نیاز به قدرت بیشتر دادن به اقلیت سنی دارد که عصیان کرده است.

\* در برابر، بوش نیز از این کشورها خواسته است خود از حکومت المالکی حمایت کنند و اقلیت سنی را به آمدن به راه تفاهم با دولت عراق فرا بخوانند و سنیان را از حمایت از شورشیان بازدارند.

پیش از سفر بوش به اردن، دیگ چنی به عربستان رفت و در پی سفر، قرار بر جلسه کندولزا رایس با وزیران خارجه کشورهای عرب شد.

\* یک مقام اردنی به ما گفت: اردن و مصر و عربستان و امارات عربی متحده جلساتی با یکدیگر داشته اند و، در آنها، به این نتیجه رسیده اند که برای جلوگیری از توسعه نفوذ ایران و سوریه، آمریکا می باید در حل مسئله فلسطین بکوشد. استدلال این کشورها اینست که ایران و سوریه با بهره برداری از جنگ در عراق و اشغال سرزمین های فلسطینی ها و لبنان، نفوذ خود را از راه کمک به گروههای مبارز بسط می دهند. ما می گوئیم

باینم این مشکل را حل کنیم و برگ برنده را از دست افراطی ها بدرآوریم.

\* نواف عبید که به دولت سعودیها نزدیک است می گوید: از دید مقامهای کشورهای سنی، آمریکا با اشغال عراق، این کشور را به دست سازمانهای شیعه متحد ایران داده است و بدین کار، بنحو خطرناکی، موازنه قوا را در خاورمیانه برهم زده است. برخی از این کشورها، خود به خود به گفتگوی مستقیم با ایران پرداخته اند. از جمله، عربستان سعودی که نمی خواهد وارد برخورد مستقیم با ایران بگردد. اما رژیم سعودی روشن کرده است افتادن عراق به دست ایران نخواهد پذیرفت. را



**\* نقشه پنتاگون برای فرار از باتلاق عراق و انتقاد گیت از برنامه گذاری وزارت دفاع آمریکا در باره عراق و اعتراف های او و رامسفلد:**

◀ لوس آنجلس تایمز ( ۲۹ نوامبر ) نقشه ای را شرح داده است که پنتاگون برای بیرون رفتن از باتلاق عراق کشیده است:

\* این نقشه که بزرگ ترین نقشه تهیه شده از ترورهای ۱۱ سپتامبر بدین سو است ، نه تنها شامل جنگ عراق و افغانستان بلکه عملیات نظامی دیگر آمریکا ، در مقام جنگ با تروریسم ، را نیز در بر می گیرد .

این نقشه بسا وزارت دفاع را وارد اختلاف و کشمکش با کنگره می کند . زیرا اکثریت دو مجلس اینک در دست دموکراتها است . دموکراتها بر آنند که عملیات نظامی و هزینه های آنها را کاهش دهند و کنترل کنگره را بر هزینه ها بیشتر بسازند .

\* پنتاگون تقاضای ۱۲۷ تا ۱۵۰ میلیارد دلار بودجه خاص برای عملیات نظامی کرده است . از ۲۰۰۱ بدین سو ، این بزرگ ترین بودجه ایست که درخواست می کند . تا این زمان ، در جمع ، کنگره ۴۵۹ میلیارد دلار بودجه برای جنگهای افغانستان و عراق و جنگ با تروریسم تصویب کرده است .

بودجه ای که در ۱۵ نوامبر درخواست شده است ، در وزارت دفاع نیز صداها را به اعتراض بلند کرده است . وزارت دفاع ناگزیر از نیروی هوایی و نیروی زمینی خواسته است تقاضاهای خود را دقیق و موجه تر کند .

اما فرماندهان نظامی می گویند تجهیزات را می باید جایگزین کرد و در مقایسه با تقاضاهای نیروهای مسلح ، رقم درخواستی کوچک است .

بودجه درخواستی اضافه می شود بر ۷۰ میلیارد بودجه ای که برای سال آینده تصویب شده است . بدین سان ، بودجه ای که صرف خرج این جنگها می شود ، بسیار بیشتر از بودجه ای می شود که خرج جنگ ویتنام شد : بنا بر برآورد دایره تحقیقات ، هزینه جنگ ویتنام با در نظر گرفتن تورم ( = کاهش ارزش دلار ) ، بر روی هم ، ۶۶۳ میلیارد دلار بوده است که هنوز از میزان هزینه های جنگهای عراق و افغانستان بیشتر است .

\* بودجه جدیدی که تقاضا شده است تنها شامل هزینه نظامی نیست . بخشی از آن مربوط به طرحی است که گردون انگلند ، معاون وزارت دفاع تهیه کرده است . بنا بر طرح او ، هزینه خدمات نظامی می باید در هزینه های عملیات نظامی ملحوظ شوند .

دقیق بخواهی ، بخشی از بودجه که مربوط می شود به عملیات نظامی در عراق و افغانستان ، تنها به مصرف این دو جنگ می رسد . بنا بر طرح انگلند ، تهیه اسلحه جدید و تعلیم و تربیت ارتشیان برای جنگ با تروریسم نیز می باید ، در بودجه نظامی پیشنهادی ملحوظ شود و شده است .

انتقاد کنندگان بودجه می گویند طرح انگلند تشویق به با دکردن بودجه بوده است .

دموکراتها می گویند طرح و بودجه ، هر دو ، از سوی کنگره مورد انتقاد قرار خواهند گرفت و کنگره با بودجه ای میان ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار ، بیشتر موافقت نمی کند . برای کنگره مخالفت با تمامی بودجه بسیار

**عراق متلاشی و خونین**

امریکا ، دو روز پیش از استعفاء ، در ۶ نوامبر برای بوش تهیه کرده و فرستاده است ، انتشار داده اند . در این گزارش ، رامسفلد ، می گوید:

\* استراتژی آمریکا در عراق نتیجه نداده است و می باید تغییر کند . عملکرد قوای آمریکا نه کافی و نه سریع است . گزارش او اعتراف معمار جنگ عراق به شکست است . لوس آنجلس تایمز می نویسد این گزارش ، گزارشی باور نکردنی است زیرا اولاً مخالف همه اظهارات بوش و اعضای حکومت او ظرف سه سال گذشته است و ثانیاً پیشنهادهای که می کنند همانها هستند که دموکراتها می کنند و کاخ سفید بشدت با آنها مخالفت کرده است .

او راه حلهای چندی را برای کاستن از میزان قوای آمریکا در عراق ، پیشنهاد کرده است :

۱ - یک راه حل همانست که رژیم صدام از آن استفاده می کرد و آن خریدن رهبران مذهبی و سیاسی که نقش کلیدی دارند به ترتیبی که به حضور نظامی آمریکا در عراق روی خوش نشان بدهند .

۲ - ساختن پایگاههای نظامی و مستحکم کردن آنها در عراق . او می نویسد : پایگاهها را از ۱۱۰ به ۵۵ فروکاسته ایم و می باید تا آوریل ۲۰۰۷ آنها را به ۱۰ تا ۱۵ تا ژوئیه سال آینده به ۵ پایگاه کاهش دهیم .

۳ - قوای آمریکا را از مناطقی بیرون بریم که ، در آنها ، قوای ما آسیب پذیر هستند . این نیروها را می باید به نیروی واکنش سریع بدل کنیم . بدین ترتیب آنها می توانند از درون عراق و یا از کویت ، دست به عملیات بزنند .

۴ - تشکیل نیروی مخصوص برای عملیات بر ضد القاعده و اسکادران های مرگ و ایرانیها .

۵ - قوای آمریکا می باید تنها به امنیت ایالت ها و شهرهایی بپردازند که ساکنانش از این قوا تقاضا میکنند . زیرا بنا بر قاعده ، اگر کسی چیزی پر بها را زیاد خواست ، قدر آن را می داند و اگر نخواست ، می باید بهای قدرناشناسی خود را بپردازد .

۵ - استقرار قوای آمریکا در مرزهای سوریه و ایران به قصد جلوگیری از نفوذ تروریستها به خاک عراق و یا گریز از عراق .

رامسفلد می نویسد : با عملی کردن این پیشنهادها می باید به عراقیها علامت قاطعی داد . می باید دست خود را از پشت زین دوچرخه برداریم تا عراقی ها بدانند خود باید دوچرخه را مهار کنند . به سخن دیگر ، خود می باید کشور خویش را به نظم و امنیت آورند .

**\* ۳ پیشنهاد عمده کمیسیون راه حل یاب برای عراق به ریاست بیکر و هامپلتون:**

در ۶ دسامبر ۲۰۰۶ ، کمیسیون ۱۰ نفری ( ۵ جمهوریخواه و ۵ دموکرات ) که کنگره آمریکا مأمور یافتن راه حلی

برای عراق کرده بود ، گزارش خود را تسلیم بوش کرد . این گزارش که خط بطلان بر سیاستی می کشد که حکومت بوش در عراق در پیش گرفته است ، در مجموع ، شامل ۷۶ پیشنهاد است . از آنها ، ۴ پیشنهاد بنا بر قول مشترک بیکر و هامپلتون اصلی هستند :

۱ - آمریکا می باید در پی تحصیل اجماع جهانی و منطقه ای بر سر بازگرداندن امنیت و ثبات به عراق شود . همه کشورهایی که سودی در وخیم تر شدن وضعیت بلشوی عراق ندارند ، از جمله همسایه های عراق ، می باید به همکاری و همپشتی دعوت شوند .

همکاری ایران و سوریه در بیرون آوردن عراق از باتلاقی که در آنست ، بدین ترتیب باید جلب شود که ایران از ریختن اسلحه به عراق و تعلیم افراد عراقی خودداری کند و سوریه مرزهای خود را بر روی شورشیان و تروریستها و جریان پول و امکانات برای آنها ببندد . اما در آنچه به پرونده اتمی ایران مربوط می شود ، آمریکا می باید همچنان با ۴ عضو دائمی شورای امنیت و آلمان ، به قصد منصرف کردن ایران از ادامه برنامه اتمی خود ، همکاری کند .

۲ - بدون حل مشکل عرب و اسرائیل ، آمریکا نمی تواند به هدفهای خود در خاورمیانه برسد . از این رو ، آمریکا می باید با دو طرف و دو طرف با یکدیگر ، بطور مستقیم وارد گفتگو شوند و هدف رسیدن صلح در همه جبهه ها ، لبنان و سوریه و فلسطین باشد . بر اساس پیشنهاد پریزدنت بوش در سال ۲۰۰۲ ، دولت فلسطین می باید تشکیل شود .

۳ - آمریکا می باید بر کمکهای سیاسی و اقتصادی و نظامی خود به افغانستان بیفزاید .

۳ - اما آینده عراق موضوع مسئولیت عراقیها است . سیاست آمریکا می باید منطبق شود با این مسئولیت و بر انگیختن عراقیها به عمل به این مسئولیت . بدین ترتیب :

\* شتاب بخشیدن به روند برعهده گرفتن امنیت عراق از سوی دولت این کشور از راه افزودن بر نظامیان امریکائی مأمور تعلیم قوای عراق و نیز واحدهای جنگی که در حمایت از قوای عراق وارد عملیات می شوند .

\* به موازات ، خارج کردن قوای آمریکا از عراق . بدین ترتیب مأموریت اول قوای آمریکا باید حمایت از قوای عراق باشد . خروج قوای آمریکا از عراق ، تا فصل اول سال ۲۰۰۸ ، می باید انجام پذیرد . یعنی نظامیانی که در تعلیم و تربیت قوای عراق و یا حمایت از قوای عراق لازم نیستند ، می باید خاک عراق را ترک گویند .

\* ارتش آمریکا امروز قادر به تقویت وسائل خود برای افزودن بر نفقات و تجهیزات خویش در عراق نیست . عده و عده اش ناکافی ، روحیه سربازان و افسرانش خراب ، داوطلبان استخدام در ارتش ، روز به روز کمتر و اعضای ستادهای قوای سه گانه هوایی و زمینی و دریائی به کشمکش میان خود بر سر موافقت یا مخالفت با رامسفلد مشغول . هرگاه جنگ عمده ای مثلاً با ایران یا کره شمالی پیش آید ، این ارتش نمی تواند از عهده آن برباید .

لذا ، واحدهائی که می مانند می باید واحدهای واکنش سریع و واحدهای عملیات ویژه باشند و اولاً تنها در

حمایت از قوای عراق وارد عمل شوند و ثانیاً مأموریت حیاتی آنها می باید جنگ با القاعده باشد .

\* بدیهی است عراق برای مدتی ، به کمک آمریکا ، بخصوص در قلمرو امنیت کشور ، نیاز خواهد داشت . آمریکا می باید برای دولت عراق روشن بگرداند که اگر تغییرهای برنامه گذاری شده را انجام ندهد ، آمریکا برنامه هایش را در باره بیرون بردن قوای خود از خاک عراق و تجدید آرایش آنها اجرا خواهد کرد . آمریکا نباید به نگاهداشتن قوای خود در عراق رضایت دهد . واحدهائی که به آمریکا بازگردانده می شوند ، می باید درجا تحت تعلیم و تدریب قرار گیرند و آماده گردند . کنگره نیز می باید بودجه لازم برای تجدید تسلیحات فرسوده آمریکا در جریان جنگ عراق را تصویب کند .

۴ - در صورتی که دولت عراق اراده سیاسی ابراز کند و پیشرفت واقعی در استوار کردن پایه های آشتی ملی و استقرار آمریت دولت بعمل آورد ، آمریکا نیز می باید به حمایت های نظامی ( تعلیم قوای عراق و حمایت از این قوا در استقرار نظم و امنیت ) از این دولت ادامه دهد . اما اگر دولت عراق چنین نکرد ، آمریکا می باید از کمکهای خود به عراق بکاهد .

گزارش پیشنهادهای نوری المالکی نخست وزیر عراق را در باره آشتی ملی و استوار کردن ستون پایه های آن ، کارساز ارزیابی کرده و در قلمرو اصلاح نظام قضائی عراق و نیز در قلمروهای نفت عراق و کوششهای آمریکا در باز سازی عراق ، نیز ، پیشنهادهایی را ارائه کرده است .

**انقلاب اسلامی:**

۱ - پیشنهادهای کمیسیون متناقض و مضحک می نمایند . زیرا اگر عراق در باتلاق است ، به قول کمیسیون و گیت و رامسفلد و بوش ، نتیجه بیشمار اشتباههای حکومت آمریکا است . حال منجلابی را که آمریکا بوجود آورده است ، حکومت عراق چگونه بخشکاند ؟ و نیز ، روند تجزیه عراق یکی از مهمترین عوامل فرو رفتنش در جنگ داخلی است . پیشنهاد اشتی ملی با سیاست های اسرائیل و حکومت بوش در تجزیه کشورها و تبدیل آنها به موزائیک نمی خواند . آیا آمریکا و اسرائیل نمی باید دست از این سیاست در خاورمیانه بردارند و گروههای تجزیه طلب پول و اسلحه و تلویزیون و رادیو و... ندهند ؟

۲ - اعتراف گیت به پیروز شدن آمریکا در جنگ عراق و انتقاد و نیز اعتراف رامسفلد به شکست بسیار دیر و بعد از وقوع است . مبنای پیشنهاد رامسفلد فاسد کردن رهبران دینی و سیاسی عراق است . سلطه گری خود بزرگ ترین فسادها است و اگر این رهبران فاسد نبودند ، نه صدام بساط استبداد خویش را بمدت نزدیک به ۴ دهه بر عراق پهن می کرد و نه کار به حمله نظامی آمریکا به عراق می کشید . اما واقعیتی که رامسفلد از آن غافل است اینست که اولاً آمریکا امثال چلبی و علاوی را داشته و دیده است چه اندازه کار از آنها ساخته شد و ثانیاً با وجود رهبران دینی و سیاسی فاسد ، وضعیت عراق چنین وخیم است . از اتفاق ، کار اول مبارزه با فساد می باید می شد اما سلطه گر از این کار ناتوان است .

در حال حاضر ، مسئله اینست که جنگهای عراق و افغانستان و ناتوانی شگرف دستگاه حاکمه آمریکا از برنامه گذاری این دو جنگ و در ماندگی کنونی آمریکا ، انحطاط آمریکا را بمثابه « تنها ابر قدرت » گزارش می کنند .



و بنگریم، در تهران، مافیاهای نظامی مالی و ملایانی که سالاری خویش را دارند از دست می دهند و توجیه گر مافیاهای می شوند، بهترین فرصت منطقه ای وجهانی را صرف چه کاری می کنند:

## حذف رفسنجانی کلید خورده است؟ چیدن ضدها در برابر یکدیگر - گسیل ۷۰۰ تن به سومالی؟ - تشدید فشار به دانشگاهها:

\* حذف هاشمی رفسنجانی کلید خورده است و تعقیب هاشمی رفسنجانی:

« دو خبر در تهران انتشار یافته اند: \* نزاع هاشمی رفسنجانی با خامنه ای که گمان می رفت جدید نیست، جدی است. هاشمی رفسنجانی و گروهی از روحانیان بر این نظر هستند که خامنه ای با دادن دولت به تصرف مافیاهای نظامی - مالی و با حمایت از احمدی نژاد بی کفایت و حکومت بی کفایت تر او، نظام را به خطر افکنده است. بیماری او نیز مزید بر علت شده است و اختیار او را به دست پسر او و امثال حجازی داده است. در صورتی که یک جبهه وسیع از محافظه کاران سنتی و اصلاح طلبان و بخشی از سپاه تشکیل شود که با مافیاهای نظامی - مالی مخالف هستند، ممکن است بتوان نظام را نجات داد.

\* در بازار تهران این خبر دهان به گوش پخش شده است که حذف هاشمی رفسنجانی کلید خورده است.

همراه با این خبر، این نظر ابراز می شود که در « نظام ولایت فقیه » تنها هاشمی رفسنجانی است که به اقتصاد توجه دارد. احمدی نژاد با شعار پول نفت را به سفره های مردم می برم، آمد. اما هم با ندانم کاریهایش و هم تحریکهایش در زمینه سیاست خارجی، چنان ضربه ای به اقتصاد کشور وارد کرده است که کمر راست کردنش به معجزه نیاز دارد. آندسته که همچنان در مدار بسته بد و بدتر زندانی هستند، می گویند: اگر نیروی رأی بدهیم و مجلس خبرگان هم به دست باند مصباح یزدی بیفتد، دیگر تخریب اقتصاد وسعت هم می گیرد.

« در ۱۴ نوامبر، این خبر انتشار یافت: در گزارش ۲۵ اکتبر دادستانها آلبرتو نیسمن و مارچلو مارکز بورگس تأکید شده است که مدارک رسمی حاکی از آنند که رهبران ایران دلیل داشته اند برای دادن دستور انفجار مرکز فرهنگی یهودیان در بوئیس آیرس و آن قطع فروش تکنولوژی و تجهیزات اتمی به ایران بوده است. اطلاع جدید حاکی از آنست که هاشمی رفسنجانی و دیگر مقامات ایران انتظار داشته اند برغم فشار امریکا، آرژانتین به فروش تجهیزات اتمی به ایران ادامه

## عراق متلاشی و خونین

\* « انتخابات مجلس خبرگان »:

با نزدیک شدن مضحک ترین انتخابات ایران، مشاهده می شود که برخی شمشرها را از رو بسته اند: در این انتخابات دوگانه خبرگان و شوراها که بنا بر دلخواه مافیاهای پورمحمدی طرح انجام همزمانشان را ریخته است، درگیری ها میان گروههای رانت خوار و وابسته به قدرت، درگیریهایی سرمداران و سرداران است.

وضع به گونه ای شده است که، در آن، بنا بر مثل، سگ صاحبش را نمی شناسد. در این وضعیت، از اقلیتی هم که می خواهند رأی بدهند، کسی نمی داند به چه کسی رأی بدهد.

« در مورد انتخابات خبرگان رهبری که موضوع ساختن جوک شده است -، دانستی است که آفندر گند کار در آمد که شورای نگهبان ناگزیر شد بر تعداد « صلاحیت دار» ها بیفزاید اما تنها آن را از ۱۴۴ به ۱۶۳ نفر رساند. یعنی از کل « مجتهدان ایران، تنها این عده هوادار رهبری و کم خطر تشخیص داده شده اند. تازه از این عده می باید ۸۶ نفر که مورد وثوق کامل هستند، نماینده مجلس خبرگان شوند.

\* اما نکات زهر خنده آور این انتخابات: - نکته اول این که با توجه به این امر که برخی از آنها که اسم نوشتند، پول و امتیاز گرفتند تا حاضر شدند اسم خود را بعنوان نامزد بنویسند، کار شورای نگهبان را اعتراف صریحی است بر انزوای کامل رژیم در روحانیت شیعه.

- نکته دوم این که از حدود ۷۰ میلیون نفر جمعیت ایران، تنها ۱۳ نفر « خبره » صلاحیت یافته اند برای عضویت در مجلس خبرگان. از آنها، تعدادی از اعضای خود شورای نگهبان یعنی از کسانی هستند که قرار است خود در انتخابات نظارت کنند.

- نکته سوم این است که این تعداد افراد برای یک انتخابات که در آن، ۸۶ نفر باید انتخاب شوند، می گوید که انتخابات فرمایشی است. زیرا حداقل شرایط انتخاب را که برگزیدن یکی از میان دو نفر است، نیز ندارد. شورای نگهبان برای اینکه این مشکل را حل کند به کاندیداها گفت: برای اینکه این حداقل رعایت شود از شما خواهش می کنیم که برای پر کردن فضای خالی در استانها و ایجاد فضای رقابتی استانهایی که یک نامزد بیشتر ندارند، خود را از آن استانها نامزد کنند. نامزد ها تنها ۴۸ ساعت وقت دارند خود را از استانهایی معرفی کنند که یک نامزد بیشتر ندارند. تعدادی از کاندیداها برای اینکه خود را از چنین استانهایی نامزد کنند، امتیازاتی گرفته اند.

- نکته چهارم این که اصولگرایان « خدا شناس »، برای اینکه بتوانند مردم را به پای صندوق های رأی ببرند، به دانشجویان باج داده اند. از جمله، احمدی نژاد برای اینکه دانشجویان را به شرکت در این انتخابات راغب کند، مبلغ دوست و پنجاه میلیون تومان کیف و کاغذ و ماشین حساب به دانشجویان هدیه داده است تا از ریاست جمهوری آینده می شود.

کاندیداهای وابسته به طیف او حمایت کنند!

از سوی دیگر، گروه نزدیک اما رقیب این گروه یعنی گروه هیات مؤتلفه برای اینکه در رشوه دادن عقب نیفتد، به ناگاه برای تمام اتاق های خوابگاه دانشگاه یک یخچال هدیه کرده اند تا دانشجویان به نفع کاندیداهای فعالیت کنند!

« از کسانی که قرار است به مجلس خبرگان بروند، خوشوقت و زالی و قائم مقامی و هادوی و محسن اسماعیلی کازرونی و مصباح یزدی و فلاحیان و هاشمی رفسنجانی ( این دو را اگر بگذارند ممکن است به مجلس بروند در جنایات و قتل های سیاسی دست داشته اند. ) به یک اعتبار، کشمکش میان سازمان ترور به رهبری خامنه ای با کسانی است که در آن سازمان بوده اند و نوبت حذفشان رسیده است و کسانی که در بیرون آن سازمان اما در درون رژیم هستند.

« بنا بر اطلاع، در انتخابات مجلس خبرگان رهبری با توجه به محدودیت کاندیداها، در ۷ استان تعداد کاندیداها رقابت وجود ندارد و رأی دهندگان تنها به یک نفر می توانند رأی بدهند. به همین دلیل شورای نگهبان از دیگر استانها برای این استانها نیروی کمکی فرستاده است.

\* « انتخابات » شوراها:

« یکی دیگر از دو انتخاباتی که قرار است برگزار شود، انتخابات شوراها است که بر عکس انتخابات خبرگان که شمار نامزدهای مجلس ملاساران، حدود ۲۴۸ هزار نفر نامزد دارد. از میان این شمار نامزد، اعضای شوراهای شهرها و روستاهای سراسر کشور انتخاب خواهند شد.

گروههای مختلف، یک شبه، از جناح های مختلف اصولگرایان و اصلاح طلبان، تحت عناوین اصولگرایان ( چندین دسته ) و اصلاح طلبان و کارگزاران و حزب اعتماد ملی وارد صحنه شده اند. با شناسایی که از گروهها بعمل آمده است، حدود ۵۷ گروه از طیف های مختلف وارد بازی انتخاب شده اند.

در انتخابات خبرگان، بظاهر، روحانیون جلو قرار دارند و سرداران و سرمایه داران در پشت سر آنها. اما در انتخابات شوراها سرداران در جلو قرار دارند و ملایان و سرمایه داران در پشت سر آنها. اما در واقع، صحنه گردان اصلی گروه بندیهای مافیائی هستند:

\* در گروه اول می توان مبارزه باند کروی و هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی و واعظ طبسی از یک سو با گروه مصباح یزدی و مشکینی از سوی دیگر را خاطر نشان کرد. این طور تبلیغ می شود که « حذف هاشمی رفسنجانی » کلید خورده است. این تبلیغ عده ای را بر می انگیزد به رفتن پای صندوق و رأی دادن به او و گروهها او. اما در عده ای هم این فکر را تقویت می کند که کار هاشمی رفسنجانی ساخته است و باید به کسانی

رأی داد که در دستگاه مافیاهای موقعیتی دارد.

\* در انتخابات شوراها، مبارزه بین سردار قالیباف از سوی و سردار محمود احمدی نژاد و سردار داوود احمدی نژاد و سردار حسین فدایی و سردار سوی و سردار فیروز آبادی از سوی و باز سردار محسن رضایی و یاران او از سوی و سردار چمران و سردار کوچک زاده از سوی دیگر است.

این سردارها در رقابت با یکدیگر، وارد بازی انتخابات شده اند. البته در پشت، صدها سردار ریز و رذشت دیگر در این بازی شرکت دارند که از سوی ملایانی که به بودن در قدرت قانع هستند و سرمایه داران حمایت می شوند.

« بنا بر اطلاع، خواست خامنه ای اینست که، در انتخابات تهران، قالیباف و گروه او برنده شوند.

\* کروی اعلام کرده است که ستادهای انتخاباتی هواداران خود را از این بابت که به آنها اجازه فعالیت نمی دهند در خانه ها تشکیل داده است و این کار در نوع خود جالب است.

« گروه حامیان احمدی نژاد، در انتخابات شوراها، را پاسدار محصولی ( میلیاردی که قرار بود وزیر نفت شود ) بر عهده دارد. او قرار شده است که سه کار را انجام دهد:

۱ - تدارک هزینه های مالی انتخابات.

۲ - تلاش برای جلوگیری از شکل گرفتن اجماع میان اصولگرایان. و

۳ - منسجم کردن سه طیف همسو با حکومت در انتخابات شورا

این مأموریت نشان می دهد که محصولی مأمور است با توسل به هر توطئه ای از انسجام گروههای اصولگرای مخالف احمدی نژاد، استفاده کند. به سخن دیگر، بنای کار احمدی نژاد بر اینست که همان بلا را بر سر قالیباف و گروه مؤتلفه و آبادگران جوان بیاورد که در انتخابات ریاست جمهوری آورد. آیا این بار هم، در ظاهر به خامنه ای خواهند گفت: اطاعت می شود و در باطن، مانع از « انتخاب » گروه قالیباف می شوند؟ در پاسخ به این سؤال، آگاهان دو امر را یاد آور می شوند:

یکی این که قانونی که مافیاهای آن پیروی می کنند ۱ - اتحاد برای حذف دیگران و ۲ - حذف یکدیگر پس از آنکه دیگران حذف شدند. و دو دیگر این که احمدی نژاد در مرحله اول می توانست سر رهبر کلاه بگذارد و از صندوق بیرون بیاید. اما در مرحله دوم، سخت بتواند چنین کاری را بکند. بخصوص که خامنه ای تنها از راه قرار دادن ضد ها در مقامهای کلیدی می تواند خاطر خود را آسوده کند.

« رد صلاحیت کاندیداهای شورای شهر اصفهان آن قدر شور بوده است که صدای امام جمعه را هم در آورده است. او به رد صلاحیتها اعتراض کرده است اما گویا در تصویب صلاحیتها و انجام حذف ها تنها از رهبری دستور گرفته شده و به هیچ معیاری اعتناء نشده و به اعتراض احدی گوش داده نشده است.

در صفحه ۸







- تقی مصباح یزدی - غلامرضا مصباحی مقدم - سید محسن موسوی تبریزی - سید احمد موسوی وادقانی - علی مومن پور - علی نبی نمازی - سید ابوالحسن نواب - مهدی هادوی - هاشم هاشم زاده - اکبر هاشمی بهرمانی - محمد یزدی

\* لیست اصلاح طلبان و اعتماد ملی ها اکبر هاشمی - علی مشکینی - محمدی گیلانی - حسن روحانی - موسوی تبریزی - محسن قمی - هاشم زاده هریسی - محسن خرازی - باقری کنی - فاضل گلیایکی - هاشم بطحایی - محسن کازرونی - هادوی مقدم - محسن اسماعیلی - حسین قائم مقام

\* لیست گروه جامعین یا راست میانه:

علی اکبر مشکینی - اکبر هاشمی - محمد یزدی - احمد جنتی - سید محسن خرازی - رضا استادی - محمد امامی کاشانی - تقی مصباح یزدی - محمد محمدی گیلانی - غلامرضا رضوانی - محمد باقر باقری کنی - قربانعلی دری نجف آبادی - عبدالنبی نمازی - حسن روحانی - غلامرضا مصباحی مقدم - محسن کازرونی

در تهران، درگیری بین هواداران مصباح از یک سو و هاشمی رفسنجانی از سوی دیگر است. اما گویا مراجع رهبری شامل حال مصباح است. به هر صورت احتمال زیاد داده می شود که همان نمایندگان قلبی و با همان ترکیب احتمالاً وارد مجلس خبرگان رهبری شوند.

\* «انتخابات» شوراها:

این انتخابات برای مردم و کسانی که در دادن رای شرکت می کنند بسیار مهمتر از انتخابات مجلس خبرگان است. زیرا انتخابات خبرگان رهبری را بازی می دانند و انتخابات شوراها را برخوردی سیاسی

از سوی گروههای راست و یا به اصطلاح اصول گرا که از اصولگرایی جز نام ندارند، در این انتخابات سه یا چهار گروه سر بر آورده اند: گروههای راست، برای اینکه بتوانند نان اصولگرایی را در این انتخابات نیز بخورند، از چند ماه پیش، شروع به رایزنی کردند. اما بعد از پنج ماه به نتیجه نرسیدند. با آنکه این گروه تقریباً همه سردمداران راست را در خود داشت، هر کار کرد نتوانست به تقاضای برسد. مذاکره کنندگان عبارت بودند از حداد عادل - محمد رضا باهنر - مهدی چمران - احمد توکلی - عسکر اولادی و زاکانی. در نهایت گروههایی از دل راست بیرون آمدند که عبارتند از:

۱- گروه اول به ریاست سرداران احمدی نژاد و محصولی و دیگر حامیان رییس جمهوری، از جمله، زربیافان و بزم پاش. گرداننده اصلی این گروه محصولی است. یکی از کارهای او ایجاد شکاف میان گروههای دیگر اصول گرا است تا به وحدت نرسند.

۲- گروه دوم از حامیان سردار قالیباف با یاری سرداران چمران و طلایی و ... تشکیل است. این گروه خود را از ماهها قبل برای شکست احمدی نژاد و گروه او آماده کرده اند.

## عراق متلاشی و خونین

پیشرفت نظام را زیر سؤال خواهد برد، جامعه امروز ایران تنها به «اصولگرایی کارآمد» نیاز دارد. خبرنگاران کارآمد، وفادار، آگاه، اصیل، فقیه و آشنا با مسایل روز را مهمترین ابزار ترویج فرهنگ اسلامی در ایران خواند و یادآوری کرد: خبرنگاران باید از دو فضای لیبرالیستی و روشنفکری زدگی و تاجر فاصله گرفته و از مسیر انقلابی امام راحل (ره) خارج نشود

◀ در ۱۱ آذر، مشکینی به نمایندگی جامعه مدرسین قم و مهدوی کنی به نمایندگی جامعه روحانیت مبارز تهران، بیانیه مشترکی را صادر و در آن، از جمله گفته اند:

اینک که در آستانه چهارمین دوره از انتخابات مجلس خبرگان رهبری قرار گرفته ایم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز تهران - همچون دوره های گذشته که با تاکیدات امام خمینی (رحمت الله علیه) - به صحنه آمده و از میان علمای محترم نقاط گوناگون کشور - با رعایت احترام به همگان - عده ای را به عنوان فهرست مشترک به محضر شریف مردم ایران اسلامی معرفی نموده است. این نظر مشورتی جامعیت پس از طی مدت ها رایزنی و شناسایی در سراسر کشور صورت گرفته و در این میان خبرویت و روشن ضمیری، دلسوزی و ارادات قلبی و عملی نسبت به انقلاب اسلامی امام راحل و رهبری معزز آن، برخورداری از آگاهی و صلاحیت های علمی، مخالفت عینی با دنیاپرستی و مقام خواهی، رعایت بی آلاشی و برخورداری از طی طلبگی و در یک کلام به فرموده امام راحل مخالفت با اسلام آمریکایی، اسلام مرفهین بی درد و قاعدین و التزام به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) از جمله خصوصیات بارز مدنظر تهیه کنندگان این فهرست بوده است.

چه آن که بر این راه استواریم که ملت سرنوشت ساز ایران اسلامی این بار نیز همچون مراحل گذشته در نظام اسلامی آراء تاثیرگذار و پر مفهوم خود را به میدان آورده و درس بزرگی به بدخواهان و کج فهمان خواهند داد.

انقلاب اسلامی: یعنی ۱ - لیست این دو جامعه، مطیع خامنه ای هستند و ۲ - هرگاه نامزدهای این دو جامعه به مجلس خبرگان بروند، درس بزرگی به بدخواهان داده می شود. به سخن دیگر، اگر کسانی به این مجلس بروند که در این فهرست نیستند، این درس بزرگ به این دو جامعه داده خواهد شد! دانستنی است که هاشمی رفسنجانی در فهرست این دو جامعه است

◀ در ۵ آذر، هاشمی رفسنجانی، با مسوولان حزب اعتدال و توسعه در اصفهان دیدار کرده و گفته است: من همیشه توصیه کرده ام که تعادل در همه زمینه ها حفظ شود و در دولتی که تشکیل داده بودم، از تمام نیروها با سلیق مختلف استفاده می کردم. به وزیر کشور هم توصیه می کردم در انتخاب فرمانداران و مسوولان استانی تعادل را رعایت کنند. رقابت ها باید سالم باشد و باید از حرکت های بانوی پرهیز شود.

بسیاری از افراد سرمایه حرکت ما هستند اما امروز تفکری برای کنار گذاشتن نیروهای قدیمی وجود دارد و از آن بدتر به بدنام کردن افراد

دست می زنند که من با چنین اعمالی مخالفم.

وی با اشاره به وضعیت بین المللی ایران، گفته است: با این تهدیدات که در خارج است، اگر نارضایتی داخلی هم به آن اضافه شود، این موضوع یا به بی تفاوتی مردم یا بدتر از آن به چالش تبدیل می شود که هر دوی اینها چراغ سبز نشان دادن به دشمنان است.

◀ هاشمی رفسنجانی در ۴ آذر، در آیین افتتاح کنفرانس بین المللی استراتژی ها و تکنیک های حل مساله، از جمله گفته است: «در حالی که شرایط توسعه کشور مبتنی بر سند چشم انداز از دو سال پیش باید رشدی هشت درصدی را برای کشور در پی می داشت اینک ما عقب گرد داشته و توسعه ما به کم تر از شش و نیم درصد رسیده است.»

انقلاب اسلامی: دو حمله او به باند مصباح یزدی - احمدی نژاد مستقیم است. او حمله سومی را بعمل آورده است که بهنگام آوردن خبرهای مربوط به دانشگاهها می آوریم.

◀ در ۷ آذر، آفتاب خبر داده است: شنیده ها حاکی از آن است که اخیراً عده ای نزد آیت الله مهدوی کنی رفته و خواستار شرکت در انتخابات خبرگان رهبری شده اند. این در خواست به این دلیل صورت گرفته است که دعوت کنندگان بر این باور هستند، ایشان می تواند ریاست دوره بعد خبرگان را بر عهده بگیرد. زیرا نگرانی این گروه، به علت برخی چهره های جوان است که گفته می شود تحت یک سازماندهی و تشکیلات جدید قصد ورود به این نهاد عالی و مهم کشور را دارند.

روحانیون میانه رو و کسانی که ترجیح می دهند مجلس خبرگان رهبری صحنه نزاع های داخلی بین طیف های سنتی و نومحافظه کاران نشود، به دنبال آیت الله مهدوی کنی هستند.

انقلاب اسلامی: نگرانی از اکثریت پیدا کردن باند مصباح یزدی و بسا رئیس این مجلس شدن او است.

◀ در ۵ آذر، به گزارش آفتاب، آخرین خبرها از روند تأیید صلاحیت ها در انتخابات مجلس خبرگان رهبری حکایت از تأیید صلاحیت احتمالی علی مصباح یزدی از وابستگان آیت الله محمد تقی مصباح یزدی در حوزه انتخابیه خراسان رضوی دارد. پیش از این اعلام شده بود که وی نمی تواند در انتخابات خبرگان شرکت کند. ظاهراً در برخی از حوزه های انتخابیه شهرستان ها، در روند تأیید صلاحیت ها، تجدید نظرهایی صورت گرفته است به گونه ای که حدود ۲۰ نفر از کلاندیداهای رد صلاحیت شده در انتخابات تأیید شده اند.

حسین زاده یزدی از شاگردان آیت الله مصباح یزدی در میان کاندیداهایی است که در بررسی مجدد صلاحیت آنها برای شرکت در انتخابات خبرگان، صلاحیت او نیز ظاهراً مورد تأیید قرار گرفته است.

با این وصف به نظر می رسد هواداران آیت الله مصباح یزدی برنامه ویژه ای را برای شرکت در انتخابات خبرگان رهبری از حوزه انتخابیه خراسان تدوین کرده اند.

حوزه انتخابیه خراسان رضوی و برخی دیگر از نقاط این استان بیشتر تحت نفوذ هواداران آیت الله واعظ طبسی نماینده ولی فقیه و تولیت

آستان قدس رضوی است. چندی پیش شایعه ای مبنی بر فوت آیت الله واعظ طبسی منتشر شد که وی با رد این شایعه آن را تلاش هایی در جهت انحراف اذهان عمومی و شکل دهی یک رقابت ناسالم در انتخابات دانسته بود.

ناظران، رویارویی میان هواداران آیت الله واعظ طبسی و آیت الله مصباح یزدی را در انتخابات خبرگان در حوزه انتخابیه خراسان شمالی و رضوی جدی ارزیابی می کنند.

انقلاب اسلامی: بدین سان، از میان آنها که صلاحیتشان تأیید نشده بود، صلاحیت افراد باند مصباح یزدی تأیید شده است و رویارویی میان این باند و باندهای هاشمی رفسنجانی و طبسی و... شدید است.

◀ نهضت آزادی اطلاعاتی صادر و در آن گفته است که در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نخواهد کرد.

\* محور منم کردن احمدی

نژاد و طرح تجمیع انتخابات

ریاست جمهوری و مجلس و

رویاریونها بر سر انتخابات شوراها:

◀ این اطلاع حاکی از «محور منم» گفتن و کردن احمدی نژاد است و انقلاب اسلامی از ایران دریافت کرده است:

در جریان سفر رییس جمهور به استان لرستان ایشان هم از سیاست رهبری در سفرها استفاده کرده است. رهبری در سفرهای خود برای کسانی که دست او را می بوسند مبلغ شصت هزار تومان جایزه در نظر گرفته است و برای افرادی که به دیدن او در جمعیت می آیند مبلغ بیست هزار تومان.

اما احمدی نژاد در سفرهای استانی خود به جمعیت که به استقبال او می آیند و اگر نامه به گروه او برسانند تا سی هزار تومان کمک بلاعوض فوری و تا دویست هزار تومان وام صندوق قرض الحسنه می پردازد.

این از حمله سیاست هایی است که برای کشاندن مردم به استقبال صورت می گیرد و به تازگی طی یک خیانت بزرگ که از سوی فامیل های داماد احمدی نژاد در استان مازندران صورت گرفته است قرار شده است که در سفر احمدی نژاد به استان مازندران مردمی که به استقبال احمدی نژاد می آیند تا یک میلیون تومان بیمه شوند. این قرارداد میان بیمه و نماینده استان مازندران بسته شده است که در قبال هر گونه مشکلی مردم را بیمه کنند.

◀ در ۱۲ آذر، نمایندگان مجلس مافیها به یک فوریت طرح تجمیع برگزاری انتخابات دوره هشتم مجلس و دوره دهم ریاست جمهوری رای مثبت دادند.

میرتاج الدینی «نماینده» تبریز این طرح را خلاف اصول ۶۸، ۶۳ و ۱۱۴ قانون اساسی خواند و افزود: در این طرح پیش بینی شده است انتخابات مجلس هشتم با انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری برگزار شود یعنی دوره مجلس هفتم یک سال تمدید شود که این خلاف قانون اساسی است. و علی احمدی نماینده ممسنی نیز این طرح را خلاف اصول ۶۳ و ۱۱۴ قانون اساسی دانست. ارایه این طرح به منزله این است که یا دوره نمایندگی مجلس یک سال افزایش در صفحه ۱۰





انقلاب اسلامی: هنر منطق صوری  
ارسطویی، « بزرگ کردن کوچک و کوچک کردن بزرگ » بنا بر نیاز و از راه غافل کردن عقل از واقعیت و خیره کردنش در صورت ذهنی است که متقلبان می سازند.

هراندازه واقعیت شیعه بمثابه هویت بیشتر بر کرسی تصدیق می نشیند، فرضیه یک محور شیعه، ناپدیدتر می گردد. بعکس، هراندازه تهاجم ایران از هویت شیعه نخستین عاری تر می گردد، بیشتر برای اکثریت عراقیها و خود ایرانیها غیر قابل قبول تر می شود.

\* این معما و جمع اضداد را از نزدیک موضوع آزمون کنیم: پویا ترین عناصر پویای شیعه عرب در عراق و لبنان هستند. در همین روزها، حزب الله لبنان با صدای بلند، اتحاد خود را با رادیکالهای سنی که از نظر تاریخی به اخوان المسلمین تعلق دارند و حماس، اعلام می کند. بعکس، همانندهای حزب الله در عراق، بی رحمانه و بدون تمیز گذاشتن، عراقیهای سنی را می کشند. آیا این تضاد در رفتار، اجازه تفاهم و اتحاد به این دورا می دهد؟ نه.

و نیز باید دانست که افراد مقتدی صدر، در بغداد، نخست بر آن بودند که با القاعده و بنیادگرای سنی متحد شوند. اما خشونت بی مرز گروه زرقاوی که حامیان سعودی و پاکستانیانشان آنها را بر این خشونت بی انتها بر می انگیزند، مانع از آن اتحاد شد. عامل بازدارنده دیگر، منزوی شدن در جامعه شیعه عراق، پیرو آیه العظمی سبستانی، بود. بخاطر تیره شدن از اتهام وحدت با بعضی ها، که پدر صدر مدتهای دراز خدمتگذار با وفایشان بود، است که امروز، آدمهای مقتدی صدر خون بیگناهان را بی مهابا می ریزند. واقعیت اینست که شیعه عراق بر آنست که بر قدرت بماند و شیعه ایران، در اکثریت بزرگش، از او حمایت می کند و نخبه های دو جامعه شیعه می دانند که نیاز دارند روابط خود را با امریکا، اگر هم شده در حد اقل، بسامان آورند.

\* اما امریکا که یک برگ برنده در دست دارد، برای مدتی طولانی، حضور افراد مقتدی صدر را در حکومت و در نیروهای مسلح عراق تحمل نخواهد کرد.

\* به این جا که می رسیم، می باید از خود پرسیم منافع سوریه چه محلی پیدا می کنند؟ دمشق از سونی می خواهد جنبش مردم سالاری را در لبنان متوقف کند زیرا در طول زمان، بر سوریه اثری اجتناب ناپذیر دارد و از سوی دیگر، می خواهد اتحاد خود را، با ایران که از لحاظ اقتصادی ضرور است، حفظ کند. اما هر روز که می گذرد، نارضانی اکثریت سنی سوریه بیشتر می شود. بر آنها اضافه می شوند حدود یک میلیون سنی عراقی که از جنگ داخلی عراق گریخته اند. اگر سوریه با برسمیت شناختن دولت عراق، بی گفتگو، یک قدم اساسی بطرف امریکا و عمل گرایان در رژیم ایران برداشته است، اما کسانی در رژیم نظامی - پلیسی این کشور، همساز شده اند و با کشتن پیر جمیل، در جهت مخالف عمل می کنند.

\* و اینطور می نماید که در دولت ایران، بیرون از احمدی نژاد، به توصیه به حزب الله که به جای جنگ داخلی، به تظاهرات مسالمت آمیز بسنده کند، بسود سوریه عمل نمی کند.

یکبار دیگر می بینیم که همان دو منطق بر محور بیروت - دمشق - تهران، تقابل می جویند. احمدی نژاد

## عراق متلاشی و خونین

دیپلماسی را رها کردند و در پی راه حل نظامی شود.

**\* حکومت اسرائیل وزارت خانه ای برای مقابله با تهدید ایران تأسیس و یک دست راستی افراطی نیز وزیر آن می شود و در همان حال با رژیم مافیایا گفتگوهای محرمانه می کند:**

خبرگزاری فرانسه در ۳ دسامبر، زیر عنوان « اسرائیل وزارت خانه جدیدی برای مقابله با تهدید ایران تأسیس می کند »، گزارش کرده است که حکومت اسرائیل با تأسیس وزارت خانه جدیدی برای امور استراتژیک موافقت کرده است و قرار است یک ملی گرای بسیار افراطی وزیر آن شود و راه مقابله با بلند پروازی اتمی ایران پیدا کند.

وزیر وزارت خانه امور استراتژیک، افسر نیروی هوایی، لیبرمن عضو حزب افراطی « اسرائیل ییتنو » است که در ماه اکتبر، در ائتلاف به رهبری المروت شرکت کرد.

وزارت خانه « مسئول هماهنگ کردن همه سازمانهای دولتی است که وظیفه شان تشخیص تهدیدهای گوناگونی است که متوجه اسرائیل می شوند و روشهای خنثی کردن آنها است ». مهمترین این تهدیدها، برنامه اتمی ایران است. اسرائیل و امریکا بر این باورند که، برغم انکار ایران، قصد اصلی رژیم ایران تولید سلاح هسته ای است.

با توجه به تهدیدهای مکرر احمدی نژاد، در خاورمیانه، اسرائیل ایران را تهدید اصلی می داند که متوجه اسرائیل است.

آسوشیتد پرس ( ۵ دسامبر ) گزارش کرده است: در همان حال که ایران تکرار می کند اسرائیل می باید از صفحه روزگار محو شود، با اسرائیل، بر سر قرضه قدیمی اسرائیل به ایران، مشغول گفتگوی محرمانه است. ایران بابت فروش نفت به اسرائیل در سالهای پیش از انقلاب، صدها میلیون دلار از اسرائیل طلبکار است. خبر مذاکره محرمانه بر سر این مطالبات را روزنامه ها آرتص داده است. از قرار، مذاکره در سوئیس انجام می گیرد.

**\* فرانسه می گوید: توافق بر سر قطعنامه تحریم ایران در حال انجام است و روسیه می گوید آماده حمایت از قطعنامه مجازات ایران است و راپس می گوید مطمئن است که قطعنامه مجازات ایران تصویب خواهد شد:**

در ۴ دسامبر، آسوشیتد پرس، از قول وزیر امور خارجه فرانسه، گزارش کرده است: قطعنامه مجازات ایران نزدیک است به تصویب ۶ کشور برسد. ۵ دیپلمات از سوی ۵ عضو دائمی شورای امنیت بعلاوه دیپلماتی آلمانی

سه شنبه ۵ دسامبر در پاریس اجتماع می کنند در باره قطعنامه مجازات ایران گفتگو کنند. دوست بلازی، وزیر خارجه فرانسه می گوید: من فکر نمی کنم در این اجتماع به توافق برسیم. او حاضر نشد در باره محتوای متن قطعنامه سخنی بگوید اما گفت: با گفتگوهای که، در ۴ دسامبر، در بروکسل، با سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه بعمل آورده است، پیشرفتهائی حاصل شده است. ما با روسیه توافق داریم که باید مجازاتهای را بر ضد برنامه اتمی ایران مقرر کنیم.

همان خبرگزاری و رویتر ( ۱ دسامبر ) گزارش می کنند که لاوروف در ۱ دسامبر، در عمان پایتخت اردن، از نو تأیید کرده است که روسیه آماده است از تحریم صدور مواد و تجهیزات اتمی و نیز تکنولوژی حساس به ایران حمایت کند. اما مجازاتهای که امریکا پیشنهاد می کند بسیار سنگین است. لاوروف توضیح می دهد که روسیه مخالف مجازات ایران نیست. ما حاضریم در شورای امنیت به قطعنامه ای رای بدهیم که صدور تجهیزات و فروش خدمات در قلمرو اتمی را به ایران ممنوع می کند.

باز در ۱ دسامبر، خبرگزاریها گزارش کرده اند که در عمان پایتخت اردن، کندولزا راپس، وزیر خارجه امریکا، گفته است: اطمینان داریم که قطعنامه مجازات ایران در شورای امنیت به تصویب خواهد رسید. من فکر می کنم مجازاتی مستند به فصل هفتم منشور سازمان ملل را تصویب خواهیم کرد. اتحاد به خودی خود هدف نیست. هدف به تصویب رساندن قطعنامه ایست که ایرانیها را متقاعد کند که رفتارشان غیر قابل قبول است.

انقلاب اسلامی: بعلت کمبود جا، تفصیل اطلاعات و داده های اقتصادی حاکی از تخریب از روی قرار و قاعده اقتصاد کشور توسط مافیهای نظامی مالی را به شماره آینده می گذاریم. با وجود این، چند اطلاع و داده را از نظر خوانندگان می گذرانیم:

**در آمد نفت و ذخیره مصرف شده - ژاپن ۱۰ میلیارد دلار اعتبار ایران را مسدود کرد - ۲ درصد جمعیت برابر تمامی جهانیان ثروت دارند!؟**

بنا بر گزارش روزنت "روز" ( ۲ آذر )، ژاپن ۱۰ میلیارد دلار از وام های ایران را، همزمان با روزهایی که بر سر پرونده هسته ای ایران، در شورای امنیت سازمان ملل کشمکش بین قدرت های جهانی درگیرست، مسدود کرد. کارشناسان معتقدند عمل ژاپنی ها تندترین و اثرگذارترین

محدودیت اقتصادی است که بر ایران تحمیل می شود.

صورت مساله این است که ژاپن، دومین وارد کننده نفت جهان بعد از آمریکا ۱۰ میلیارد دلار از اعتبارات پروژه های مربوط به نه طرح عظیم نفت و گاز در ایران را تا زمانی که تهران برنامه هسته ای اش را متوقف کند، مسدود کرده است. این اقدام پس از اقدام هفته های گذشته برخی بانک های اروپایی برای مسدود کردن هر نوع تجارتي با دولت و بازرگانان ایرانی صورت می گیرد واز فشار روز افزون اقتصادی بر تهران حکایت می کند.

در ۵ آذر، احمد توکلی گفته است:

در شش ماهه اول سال جمعاً مبلغ ۲۴/۸ میلیارد دلار از صادرات نفت به دست آمد. موجودی حساب ذخیره در اول سال ۱۳۸۵ مبلغ ۱۰/۷ میلیارد دلار بود. واریزی به حساب در طول شش ماه اول از محل صادرات نفت و اصل سود تسهیلات اعطایی قبلی از حساب، جمعاً ۱۱/۳ میلیارد دلار بود. یعنی طی شش ماه حدود ۲۲ میلیارد دلار در حساب موجود بود، اما برداشت ها و تعهدات تصویب شده مجلس حساب را در انتهای شهریور با کسری ۸۱۵ میلیون دلاری مواجه ساخت.

البته تنها تعهدات قانونی را در نظر گرفتیم. وگرنه اگر وعده های داده شده را لحاظ کنیم وضع ناگوارتر می شود (در سفرهای استانی تا آخر شهریور، ۱۶ میلیارد دلار وعده داده شده در حالی که مبلغ مصوب مجلس برای کل سال هشت میلیارد دلار است).

اگر متمم بنزین و ملحقات عجیب عمرانی متصل به آن به مبلغ ۳/۵ میلیارد دلار را در نظر بگیریم و همین طور پیشنهاد دولت درباره متمم را به مبلغ پنج میلیارد دلار را به نظر آوریم (با فرض آن که مجلس رای دهد)، همچنین برداشت برای بودجه شش ماهه دوم را طبق برنامه به آن اضافه کنیم، در این صورت بعید است حتی به اندازه موجودی اول سال، در انتهای سال ارزی در حساب ذخیره باقی بماند. یعنی شاید حساب ذخیره اسم بی مسما شود، چون دیگر ذخیره چندانی در آن نخواهد ماند.

به گزارش ایسا ( ۳ آذر ) یزینس مانیتور در تازه ترین گزارش خود اعلام کرده است: مازاد تجاری ایران در سال جاری به بالاترین میزان طی سال های گذشته رسیده و با ۷۰۰ میلیون دلار افزایش نسبت به سال گذشته به ۱۱ میلیارد و ۹۳۰ میلیون دلار بالغ می شود.

در سال ۸۶ واردات افزایش در حدود شش میلیارد دلاری خواهد داشت و به ۵۲ میلیارد و ۱۲۰ میلیون دلار خواهد رسید و این در حالی است که صادرات در حدود دو میلیارد دلار افزایش می یابد که همین امر منجر به کاهش بیش از ۳/۵ میلیارد دلاری تراز تجاری کشور به هشت میلیارد و ۱۱۰ میلیون دلار خواهد شد. \* واردات در سال ۸۷ معادل ۵۷ میلیارد و ۸۹۰ میلیون دلار خواهد بود. در این سال صادراتی ۶۰ میلیارد و ۹۰ میلیون دلاری خواهیم داشت که با توجه به افزایش بیش از ۵/۵ میلیارد درصدی



دلاری ارزش واردات و کاهش اندک ارزش صادرات، تراز تجاری کاهش زیادی خواهد یافت و به دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار خواهد رسید.

\* سال ۸۸ سال است که تراز تجاری کشور به صفر نزدیک می‌شود: در این سال به رغم افزایش ۴/۵ میلیارد دلاری ارزش صادرات، واردات با روند سریعتری رشد خواهد کرد و با افزایش ۶/۵ میلیارد دلاری به ۶۴ میلیارد و ۳۲۰ میلیون دلار خواهد رسید. مازاد تجاری کشور در سال ۸۸ به ۲۲۰ میلیون دلار می‌رسد.

\* در سال ۸۹ مازاد تجاری به کسری تجاری عظیم تبدیل خواهد شد به طوری که واردات با جهش بیش از ۷/۵ میلیارد دلاری به ۷۱ میلیارد و ۹۱۰ میلیون دلار و صادرات با کاهش بیش از ۱/۴ میلیارد دلاری به ۶۳ میلیارد و ۱۲۰ میلیون دلار خواهد رسید.

تراز تجاری کشور در سال ۸۹ بیش از ۲۰ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار نسبت به سال جاری کاهش خواهد یافت و به منفی هشت میلیارد و ۷۸۰ میلیون دلار خواهد رسید.

◀ در ۶ آذر، خبرگزاری انتخاب گزارش کرده است: احمد بزرگیان عضو فراکسیون اکثریت مجلس شورای اسلامی گفت: در حال حاضر ۶۰ درصد واردات گوشی تلفن همراه توسط یکی از وابستگان خاندان پهلوی انجام می‌شود. در حالی که این فرد حمایت‌های فراوانی از برخی جریان‌های سیاسی به عمل می‌آورد.

این فرد که آقای «الف» نام دارد با پرداخت صدها میلیون تومان به صورت ماهیانه به برخی روزنامه‌های اقتصادی گوشی‌های وارداتی خود را تبلیغ می‌کند.

این واردکننده در گذشته دربان کاخ شاه بوده و در حال حاضر با اتکا به برخی جریانات و صاحبان قدرت توانسته است جایگاه خود را مستحکم نماید.

## \* ۲ درصد جمعیت جهان برابر تمامی جهانیان ثروت دارند!؟

◀ بنا بر گزارش قسمت تحقیقات اقتصادی دانشگاه سازمان ملل متحد، این آمار را در باره توزیع سخت نابرابر ثروت در جهان انتشار داده است:

\* نیمی از مردم جهان که فقیر هستند، تنها ۱ درصد ثروت جهان را دارند.

\* ثروت جهان در آمریکا و اروپا و ژاپن و استرالیا متمرکز است. این کشورها صاحب ۹۰ درصد ثروت جهان هستند.

\* ۲ درصد جهانیان بالغ برابر تمامی مردم دنیا ثروت دارند.

انقلاب اسلامی: با وجود فقری که شدت و وسعت می‌گیرد و نابرابری که روز افزون است، بودجه و امکانات که می‌باید در تعلیم و تربیت نسل نو صرف شوند را مافیای می‌برند و می‌خورند. استعدادها هم که به یمن کوشش خود علم می‌جویند کشور را ترک می‌کنند. همانطور که در تحقیق ژاله وفا می‌خوانید مقاومت شکن‌ترین کار رژیم مافیای تخریب نسل‌ها بوده است و هست:

## عراق متلاشی و خونین

نظام‌های آموزشی سازگار با مفاهیم روز دنیا در کشورهای پیشرفته پژوهش را به عنوان یک مکمل در کنار خود پذیرفته‌اند. و مراکز صنعتی و حتی شرکت‌های خصوصی برای فعالیتهای پژوهشی خود به سراغ مراکز آکادمیک می‌روند. ولی بعزت ضعف مفرط پژوهش در ایران، صنعت به دانشگاه اعتماد نمی‌کند. پژوهش در کشور ما به خصوص در دانشگاه‌ها به عنوان یک رکن اصلی پذیرفته نشده و نیاز به این ضرورت هنوز احساس نشده است به همین دلیل در این زمینه سرمایه‌گذاری مطلوبی صورت نگرفته است.

در ایران متأسفانه فعالیت‌های پژوهشی در کشور، بیشتر از مقطع کارشناسی ارشد و دکتری شروع می‌شوند که این مقطع بسیار دیر است. از آنجا که پژوهش یک جریان مداوم است، فرهنگ سازی پژوهشی البته بایستی که سال‌های پایه در آموزش‌های دوره دبستان و مقاطع تحصیلی قبل از دانشگاه شروع شود و دانش آموز از ابتدای ورود به مدرسه با آن آشنا شود و دروسی را برای آموزش فعالیت‌های پژوهشی دانش‌آموزان ارائه گردد و آنها را به کارهای ابتدایی پژوهشی سوق دهد. تا این امر سبب رشد و پرورش روحیه پژوهشگری و تحقیق در دانش‌آموزان گردد. ناگفته نماند که معلمان نیز بایستی با طی نمودن دوره‌های آموزشی فراگیری شیوه‌های پژوهشی، با آموزش‌های لازم برای تدریس این دروس آماده شوند. آموزش مبتنی بر پژوهش نیاز به ساختاری منسجم با مدیریتی قوی دارد و بزرگترین مشکل نظام آموزش عالی ما فقدان مدیریت قوی در قسمت‌های مختلف آن می‌باشد. مدیریت ما نظام مبتنی بر آموزش است که ساده‌ترین راه حل مسئله است. خود این امر نشان می‌دهد که قدر پژوهش در ایران تا حد نازل است.

از آنجا که ضعف پژوهش در سیستم آموزش و پرورش کشور همانند دانه زنجیر به پژوهش در سیستم نظام آموزش عالی کشور متصل است و نتایج مترتب بر بی‌ارزش شمردن امر پژوهش در آموزش و پرورش بر روی نحوه فراگیری دانش‌آموزان امروز و دانشجویان فردا تأثیر مستقیم دارد. این شمار و شماره آینده را به امر پژوهش در آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور و تبعات آن اختصاص می‌دهم.

ابتدا خوانندگان گرامی را از تاریخچه سازمان پژوهش در کشور از بدو انقلاب آگاه می‌سازم و سپس به بررسی بودجه پژوهش در کشور می‌پردازیم. بررسی وظایف اداری که تحت عنوان تحقیقات در درون وزارت آموزش و پرورش موجود بودند، نشان می‌دهد تا قبل از انقلاب ۵۷، تحقیقات بیشتر در حد مطالعه منابع و کسب اطلاعات برای انجام فعالیت‌های کارشناسی مطرح بوده است و فعالیت‌های پژوهشی مبتنی بر مسأله‌یابی و یافتن پاسخ از طریق فرایند پژوهش مدنظر نبوده است. از

طرفی تغییرات سریع و دائمی در تشکیلات وزارتخانه بزرگی مانند آموزش و پرورش نشان می‌دهد که تصمیمات آموزشی ناپایدار بوده و مبتنی بر یافته‌های علمی و پژوهشی نبوده است. همچنین فعالیت تحقیقات به عنوان نیاز بخش خاصی از مجموعه آموزشی تلقی شده است و سطوح مختلف را در بر نمی‌گرفت. و بعد از انقلاب انتظار تغییر ساختاری در این زمینه می‌رفت.

◀ در سال ۱۳۵۸ قانون تاسیس سازمان پژوهش و نو سازی آموزشی توسط شورای انقلاب اصلاح و نام آن به سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تغییر یافت. و تعداد معاونتها از ۹ بع ۵ معاونت تغییر یافت. اما متأسفانه در هیچیک از دفاتر ستادی تابع این معاونت‌ها واحدی برای تصدی امر تحقیقات پیش بینی نشد. این وظیفه برعهده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که یکی از وظایف آن تحقیق در اهداف و محتوای برنامه‌های تحصیلی وزارت آموزش و پرورش بود، نهاده شد.

◀ این سازمان که در اسفند ماه ۱۳۵۸ با تصویب ماده واحده شورای انقلاب تثبیت شد، در ارتباط با وظایف خود دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و همچنین دفتر پژوهش نظام‌های جهانی را همراه با چهار دفتر دیگر تاسیس کرد. بررسی ساختار تشکیلاتی سازمان مذکور نشان می‌دهد که در طی بیست سال گذشته با خود تغییرات عمده‌ای به همراه داشته است و بواسطه وظایف رسمی خود، همواره بخشی را متولی انجام پژوهش قرار داده است. اما بررسی فعالیت‌های این دفاتر نشان می‌دهد که همچنان فعالیت اغلب آنها نه پژوهش بلکه مطالعات کارشناسی برای برنامه‌ریزی و تألیف کتب یا بصورت ترجمه و تألیف بوده است. و تا این زمان اقدامات انجام شده منجر به بکارگیری مطلوب و گسترده فعالیت پژوهش در مسیر فعالیت‌های آموزشی نگردیده است. (دکتر علی اصغر خالقی از دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب خالقی، ۱۳۸۲)

◀ در سال ۱۳۶۷ شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش تشکیل گردید و در اولین آیین‌نامه شورای تحقیقات هدف تشکیل این شورا چنین ذکر شده است: «قوام بخشیدن به امر تحقیقات و هدایت فعالیت‌های تحقیقاتی در جهت شناخت و دستیابی به راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات مبتلابه نظام تعلیم و تربیت کشور و ایجاد پویایی هر چه بیشتر در این نظام «شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش» تشکیل می‌گردد. تعیین خط مشی کلی و اولویت‌های تحقیقاتی وزارت آموزش و پرورش، ترغیب و تشویق فعالیت‌های تحقیقاتی از طریق جلب مشارکت محققین و صاحب‌نظران و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای توسعه فعالیت‌های پژوهشی» از جمله وظایف این شورا در اولین دوره فعالیت آن ذکر شده است. شورا همچنین به منظور ایجاد تحرک تحقیقاتی در معاونت‌های حوزه ستاد و

سازمان‌های وابسته به وزارت آموزش و پرورش، دستور عمل تشکیل کمیته‌های پژوهشی را تصویب و اعتباراتی نیز به انجام فعالیت‌ها در این سطح سازمانی اختصاص داد.

◀ در سال ۱۳۷۴ مرکز تحقیقات آموزشی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منحل و براساس مصوبه شورای گسترش آموزش عالی، پژوهشکده تعلیم و تربیت تاسیس شد. این پژوهشکده با هدف انجام پژوهش‌های علمی در موضوعات آموزش و پرورش دایر و در شمار سازمان‌های وابسته در ساختار حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش جای گرفت. (اساسنامه پژوهشکده تعلیم و تربیت)

◀ در سال ۱۳۶۸ با تصویب آیین‌نامه شورای تحقیقات استان‌ها، در محل ادارات کل سابق و سازمان‌های فعلی آموزش و پرورش، شورای تحقیقات دایر گردید و مقرر شد که کانون‌های پژوهش منطقه‌ای از محل ترکیب امکانات استان‌های همجوار تشکیل گردد.

◀ در سال ۱۳۷۴ مرکز تحقیقات آموزشی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منحل و براساس مصوبه شورای گسترش آموزش عالی، این پژوهشکده با هدف انجام پژوهش‌های علمی در موضوعات آموزش و پرورش دایر و در شمار سازمان‌های وابسته در ساختار حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش جای گرفت. (اساسنامه پژوهشکده تعلیم و تربیت). در پی این تغییر، آیین‌نامه شورای تحقیقات نیز اصلاح شد و هدف آن به امر سیاست گذاری در زمینه گسترش تحقیقات و هدایت فعالیت‌های مربوط در جهت بهبود کمی و کیفی نظام آموزشی کشور تغییر یافت. براساس آیین‌نامه جدید شورای تحقیقات، دبیرخانه شورا در محل پژوهشکده تعلیم و تربیت مستقر و مسوولیت دبیری شورا بر عهده رئیس پژوهشکده تعلیم و تربیت قرار گرفت. (آیین‌نامه مصوب ۷۴/۱۱/۱۷)

◀ مصوبه دیگر شورای تحقیقات در سال ۱۳۷۵ برای استفاده مؤثرتر از امکانات پژوهشی استان‌ها در انجام فعالیت‌هایی منطقه‌ای (بین استانی) بود. براساس دستورالعمل مربوط، کانون‌های پژوهش منطقه‌ای به منظور توسعه فعالیت‌های پژوهشی در ترکیبی از استان‌های همجوار تشکیل می‌شوند: اولین تجربه ترکیب استان‌ها در قالب ۶ کانون پژوهش منطقه‌ای بود.

◀ در سال ۱۳۷۶ ادامه توسعه ساختار پژوهشی در وزارت آموزش و پرورش، کمیته‌های پژوهشی در سطح مناطق آموزش و پرورش به منظور پی‌گیری هدف‌های پژوهشی در این سطح سازمانی دایر گردیدند. و با اجرای برنامه معلمان پژوهنده، ظاهراً پژوهش تا درون مدارس گسترش یافت.

◀ در سال ۱۳۷۸ در حوزه ستاد سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی به منظور تحقق در صفحه ۱۳



مأموریت‌های پژوهشی سازمان مذکور تشکیل شد. در سازمان انجمن اولیاء و مربیان نیز پژوهشکده مطالعات خانواده (که در حال حاضر به اولیا و مربیان نامگذاری شده است) در سال ۱۳۷۶، در سازمان آموزش و پرورش استثنایی پژوهشکده کودکان استثنایی در سال ۷۴ و در معاونت تربیت بدنی و امور تندرستی، نهضت سوادآموزی و سازمان نوسازی و تجهیز و توسعه مدارس، بخش‌های پژوهشی مرتبط با حوزه وظایف آنها تأسیس شد. به این ترتیب پوشش سازمانی پژوهش تقریباً همه تشکیلات وزارت آموزش و پرورش را در زمان نسبتاً کوتاهی در بر گرفت.

◀ در سال ۱۳۸۲ بار دیگر آیین‌نامه شورای تحقیقات مورد بازنگری قرار گرفت و عنوان آن به شورای سیاستگذاری تحقیقات وزارت آموزش و پرورش تغییر یافت. در این آیین‌نامه هدف از تأسیس شورا تسهیل فعالیت‌های سازمانی آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و نظارت و ارزشیابی برای ایجاد محیط مناسب یادگیری ذکر شده است.

◀ در سال ۱۳۸۳ به منظور جمع‌بندی فعالیت‌های پژوهشی در وزارت آموزش و پرورش، شورای گسترش آموزش عالی با تأسیس پژوهشگاه آموزش و پرورش موافقت اصولی نمود و در تیر ماه همان سال این موضوع در ساختار جدید وزارت آموزش و پرورش پیش بینی شد. در آذر ماه ۱۳۸۳ مدیریت پژوهشگاه آموزش و پرورش با حکم وزیر آموزش و پرورش منصوب شد که براساس آن مدیریت پژوهش در آموزش و پرورش در جهت تمرکز سیاست‌گذاری و یکپارچگی عملیات رهسپار گردید. در ۲۴ اسفند ۱۳۸۳ پس از کسب موافقت قطعی تأسیس از سوی شورای عالی گسترش آموزش عالی، این پژوهشگاه رسماً کار خود را طی مراسمی آغاز نمود.

اما نگاهی به جنبه کمی این مساله یعنی بودجه اختصاص یافته به امر پژوهش در کشور نشان می‌دهد که تغییر و تحولات فوق و صرف انرژی زیاد در بخش تغییرات سازمانی، نسبت به بودجه پژوهش در ایران مصداق کامل این ضرب‌المثل فارسی است " آفتابه لگن دست، شام و نهار هیچی!"

کل بودجه پژوهش و تحقیق در ازان ۴۵ دهم درصد تولید ناخالص ملی (GDP) است!

ابراهیم کارخانه‌ای رییس کمیته تحقیقات و فن‌آوری مجلس نیز در ۶ آذر ۸۵ ( ایستا ) اعلام کرد: در سال ۸۵ سهم بودجه تحقیقاتی کشور از تولید ناخالص داخلی ۴۵ صدم درصد اعلام شد ولی در حال حاضر عنوان می‌شود که این سهم، ۶۵ درصد است. سهم بودجه تحقیقاتی کشور برای سال گذشته نیز ۶۵ صدم درصد بود و بودجه تحقیقاتی با توجه به افزایش بودجه کل کشور افزایش نیافته استگفت: با ساختار تحقیقاتی فعلی، چنانچه سهم بودجه پژوهش از تولید ناخالص ملی به سه درصد نیز برسد باز

## عراق متلاشی و خونین

### تشدیدها: سانسور انترنت و سرکوب دانشگاهیان و روزنامه نگاران :

◀ در ۴ دسامبر، سایتهای انترنتی مورد سانسور مجدد قرار گرفتند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، رژیم ایران فهرست سایتهای مورد سانسور را بازمه طولانی تر کرده است. از تاریخ ۴ دسامبر (۱۳ آذر) ایرانیها دیگر نمی‌توانند به سایت نیویورک تایمز و You Tube (ویدئو) و یا Amazon مراجعه کنند.

به تمامی شرکتهایی که خدمات انترنتی می‌دهند، ابلاغ شده است سایتهای مذکور در فهرست را سانسور کنند. این سانسور دنبال تصمیمی است که در اکتبر ۲۰۰۶ گرفته شد و بنا بر آن، انترنت با دبی بالاتر از ۱۲۸ کیلو بیت را ممنوع کرد. بنا بر گزارش خبرنگاران بدون مرز، دائرة المعارف Wikipedia نیز سانسور شده بود. به تازگی، از آن رفع سانسور شده است.

ژولین پن، عضو دفتر انترنت و آزادی می‌گوید: این سانسورها رسانه ای را که می‌باید عامل تفاهم میان ملتها باشد، دارد به رسانه عدم برداری بدل می‌کند. رفتار حکومت ایران تقلید کاملی از رفتار حکومت چین است. این دو کشور در سانسور اخبار و اطلاعاتی که از طریق انترنت انتشار می‌یابند، از یکدیگر روش اخذ می‌کنند. این دو حکومت مردم خود، بخصوص جوانان را، از مردم دنیا منزوی می‌کنند.

با داشتن ۷/۵ میلیون نفر مشترک انترنت، ایران در ماه گذشته در شمار ۱۳ کشور « دشمن انترنت » درآمد. بعد از اسرائیل، ایران از لحاظ اتصال به انترنت، مقام اول را در خاورمیانه دارد.

◀ بنا بر اطلاع، کانادا برای چهارمین بار بعد از قتل زهرا کاظمی خواهان صدور محکوم کردن ایران به نقض حقوق بشر از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل شده است.

◀ در ۲ آذر ۸۵، دانسته شد که عصر شنبه ۲۷ آبان ماه، توحید غفار زاده، دانشجوی دانشگاه آزاد سبزوار توسط یک بسیجی به قتل رسیده است. مقتول، در ایستگاه اتوبوس دانشگاه مشغول گفتگو با هم‌دانشگاهی اش بوده است. ضارب از نسبت آن دو با یکدیگر می‌پرسد. مشاجر لفظی در می‌گیرد و قاتل با ضربه چاقو غفار زاده را می‌کشد.

◀ بنا بر گزارش روزنت "روز" ( ۲ آذر )، ژاپن ده میلیارد دلار از وام های ایران را، همزمان با روزهایی که بر سر پرونده هسته ای ایران، در شورای امنیت سازمان ملل کشمکش بین قدرت های جهانی درگیرست، مسدود کرد. کارشناسان معتقدند عمل ژاپنی ها تندترین و اثرگذارترین

محدودیت اقتصادی است که بر ایران تحمیل می‌شود.

صورت مساله این است که ژاپن، دومین وارد کننده نفت جهان بعد از آمریکا | ۱۰ میلیارد دلار از اعتبارات پروژه های مربوط به نه طرح عظیم نفت و گاز در ایران را تا زمانی که تهران برنامه هسته ای اش را متوقف کند، مسدود کرده است. این اقدام پس از اقدام هفته های گذشته برخی بانک های اروپایی برای مسدود کردن هر نوع تجارتي با دولت و بازرگانان ایرانی صورت می‌گیرد و از فشار روز افزون اقتصادی بر تهران حکایت می‌کند.

◀ در ۱۲ آذر، احمد توکلی، نماینده مجلس مافیها و رئیس مرکز پژوهش های مجلس هشدار داده است: دولت محمود احمدی نژاد تمام در آمد نفتی به دست آمده در سال جاری خورشیدی را به مصرف رسانده و از حساب ذخیره ارزی نیز برداشت کرده است.

◀ در ۳ آذر ۸۵، سمیه بینات همسر احمد باطبی، پس از ملاقات روز پیش خود با همسرش، گفته است: وضعیت روحی باطبی بسیار نامساعد است. وی با وجود گذشت ۴ ماه همچنان تحت فشارهای روحی و روانی قرار دارد و درخواست انتقال او به بند ۳۵۰ با مخالفت مسئولین زندان اوین و وزارت اطلاعات مواجه شده است.

◀ در ۳ آذر ۸۵، عاصمی دبیر اتحادیه شوراهای صنفی دانشگاه‌های کشور، با اشاره به لغومایش آسیب شناسی فعالیتهای صنفی که قرار بود در ۲ آذر در دانشگاه هنر اصفهان برگزار شود، گفته است: این همایش از سوی معاونت فرهنگی وزارت علوم و به دلیل احتمال سیاسی شدن آن و نزدیک شدن به روز دانشجو لغو شده است.

◀ در ۳ آذر ۸۵، در مراسم اختتامیه هفدهمین دوره‌ی فستیوال "لایف" (لوبیانا) جایزه‌ی حقوق بشر این جشنواره به فیلم "آفساید" جعفرپناهی اهدا شد. این جشنواره از ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان ماه) آغاز شده بود و آفساید به همراه تعدادی فیلم ایرانی دیگر در این جشنواره حضور داشت.

◀ در ۴ آذر ۸۵، علی عزیزی، نایب دبیر انجمن، عباس حکیم زاده، عضو شورای مرکزی و مدیرمسئول نشریه واژه نو و مجید توکلی، عضو شورای عمومی انجمن و مدیرمسئول نشریه خط صفر، در اعتراض به عملکرد غیرقانونی مدیریت دانشگاه در خصوص صدور احکام سنگین انضباطی برای دانشجویان و همچنین ممنوع ورود نمودن ایشان به دانشگاه ساعت ۱۰ صبح جلوی درب دانشگاه و مقابل دفتر انتظامات دست به تحصن اعتراض آمیز زدند.

◀ در ۴ آذر ۸۵، منصور مظفری، مدیرمسئول روزنامه‌ی «آفتاب یزد» از سوی شعبه‌ی ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران از برخی اتهامات تبرئه و در ۶ مورد اتهام انتشار مطالب خلاف واقع به پرداخت جزای نقدی به میزان یک میلیون و نهصد هزار ریال بدل از سه

ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شد.

◀ در ۴ آذر ۸۵، عبدالرسول وصال، مدیر مسوول روزنامه «آینده نو» با شکایت اداره کل حقوقی سازمان زندان‌ها به شعبه هشتم دادرسی کارکنان دولت احضار شد.

◀ در ۴ آذر ۸۵، مدیران مسئول پنج نشریه فردا "یکشنبه" در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی صارمی و با حضور اعضای هیئت منصفه مطبوعات محاکمه شدند. اتهامات مدیران مسئول این نشریات نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و انتشار مطالب خلاف واقع عنوان شده است.

◀ در ۴ آذر ۸۵، تعدادی از زندانیان گوهر دشت. در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران و بویژه حقوق زندانیان سیاسی در زندان های ایران اعتصاب اذ ا کردند. یبانه اعتصاب غذا به امضای ۱- امیر حسین حشمت ساران و ۲- بهروز جاوید تهرانی و ۳- جعفر اقدامی و ۴- افشین بایمانی و ۵- مهرداد لهراسی و ۶- علیرضا کرمی خیر آبادی است.

بنا بر اطلاعیه فعالان حقوق بشر در ایران (۱۲ آذر) زندانیان سیاسی پس از ۹ روز اعتصاب غذا به صورت مشروط به اعتصاب غذای خود پایان دادند. زندانیان سیاسی به مسئولین قوه قضائیه و زندان برای عملی کردن این خواسته ها مدت زمان کوتاهی فرصت داده اند که در صورت به اجرا در نیامدن خواسته هایشان مجددا اقدام به اعتصاب غذا خواهند کرد.

◀ در ۵ آذر ۸۵، اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه لرستان، برای بار دوم، در اعتراض به عملکرد مدیریت دانشگاه، تحصن کردند. در هفته گذشته، استادان دانشگاه لرستان تحصن کرده و درخواست تغییر رییس دانشگاه را کرده بودند. امروز کلاس‌های دانشگاه لرستان تعطیل بود و تعدادی از دانشجویان نیز به این تحصن پیوستند.

◀ در ۵ آذر ۸۵، منصور اصانلو، رییس سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی، در شعبه ۱۴ بازپرسی دادرسی انقلاب تهران حاضر شد. او را از زندان اوین به این شعبه بردند.

◀ در ۵ آذر ۸۵، جلسه رسیدگی به اتهامات لطف‌الله زارعی قنوانی و داود بهرامی سیاوشانی، مدیران مسوول دو نشریه «پیام آزادی» و «افکار» صبح روز یکشنبه، دوازدهم آذر ماه جاری در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی حسینیان و با حضور اعضای هیات منصفه مطبوعات برگزار شد. اتهامات مدیران مسوول دو نشریه «پیام آزادی» و «افکار»، انتشار مطالب خلاف واقع و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی عنوان شده است.

◀ در ۵ آذر ۸۵، شعبه ۱۴ بازپرسی دادرسی انقلاب تهران، قرار بازداشت کوروش زعیب، عضو جبهه ملی ایران را به قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی تبدیل کرد.



از این رو صلح اگر بخواهد پایدار بماند، بایستی بر همبستگی عقلانی و اخلاقی نوع بشر بنا گردد».

جنگ در اذهان آدمها آغاز می شود؟ چرا باید در ذهنی جنگ شکل بگیرد. و اگر بخواهد این تصویر را شکل عملی بدهد چگونه به آن مشروعیت می دهد؟

در موقعیتی که ایران بخاطر ترتیب اثر ندادن به قطعنامه شورای امنیت، در معرض مجازات قرار گرفته است، میان اروپائیان و امریکائیان بر سر رفتاری که باید با ایران کرد، اختلاف نظر وجود دارد: - در میان اروپائیان، فرانسویها که سخت با جنگ امریکا بر ضد عراق مخالف بودند، اینک بیشتر از دیپلماسی کاری از پیش نبرد، لاجرم می باید به قوه نظامی متوسل شد: ۵۴ درصد فرانسویها با عملیات نظامی نظر مساعد دارند. حال آنکه ۴۶ درصد انگلیسی ها و ۴۰ درصد آلمانی ها موافق توسل به قوه نظامی هستند. راه حل حمله نظامی جزو راه حلهایی است که مردمان کشورهای مسلط حق کشورهای خود می دانند. آیا این تنها راه است؟ به این سوال در پایان مطلب خواهیم پرداخت.

به حقوق انسانها تجاوز می شود. تجاوز گر حق را از آن قدرت که در دست اوست می داند. تجاوز می کند که منابع جمعی را که از آن صاحبان آن سرزمین است را به ناحق ببرد. با این عمل خود، چون مخالف حقوق انسانهاست و هر کس در فطرت خود آن تجاوز را حس می کند، نامی می نهد که به عمل ایشان حقانیت ظاهری بدهد. برای مردم ما که در طول تاریخ مرکز تاخت و تازهای قدرت بوده اند، این موضوع غریب نیست. هر کس به اسمی و رسمی آمده و منابع ما را تاراج کرده است. قدرت یعنی یکی دارد و دیگران ندارند. در حال حاضر شاهد آنیم که قدرت در اشکال مختلف خود دارد بر خود می افزاید و انسان و طبیعت هستند که تخریب می شوند. در ترمکز و تراکم قدرت تحت نام "جنگ تمدنها" احتیاج به رابطه ای است که آن را رابطه سلطه گر -

زیر سلطه می نامیم. این رابطه محتاج حاکمیت قهر بر روابط میان انسانهاست. این رابطه چون قدرت است مانع برخورداری انسانها از حقوق خود می گردد و انسانها برای رسیدن به حقوق خود و بر داشتن مانع نیازمند جو قهر شده اند. محیط زندگی که روزانه انسانها با قهر در آن گریبانگیرند، با حقوق و با زندگی آنان در تضاد است. بسیاری از انسانهای روی کره زمین از حق ابتکار و ابداع و خلق و رهبری و در واقع از حق رشد محروم مانده اند. اگر انسان بخواهد بسازد و ساخته شود و طبیعت را آباد گرداند، باید حقوق خویش را به عمل درآورد و روش و هدف را از زور پاک کند.

برای ساختن هویت متنا سب با برخورداری از حقوق، هر انسانی نیازمند برخورداری از محیط طبیعی و اجتماعی سالم است تا که آزادانه، توان ابتکار و ابداع و خلق خویش را بکار اندازد.

قدرت نه تنها محیط طبیعی زیست را می آلود، بلکه منابع طبیعت را که به انسان و زینندگان، نسل بعد از نسل،

## صلح حقی از حقوق هر انسان، هر قوم و هر ملت است

تعلق دارند، تخریب می کند. بنا بر این، در صورتی که انسان بخواهد هویتی پیدا کند که خود آن را آزادانه می سازد، باید ساخت بنیادهای جامعه تغییر کند. و بنیادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دینی، تعلیم و تربیت، و ... در راستای برخورداری انسانها از حقوق خود شکل بگیرند.

در حال حاضر امریکا به عنوان ابر قدرت به خود حق می دهد که به هر کس مظنون شد بر باید به زندانهای خود بیندازد. و یا به نام حقوق بشر و صلح به آن کشور حمله کند و منابع آن را به تاراج ببرد. این به تاراج بردن را تحت نام کلیسا و نمایندگی از جانب کلیسا و مسیح انجام داده است و می دهد و در مقابل این ادعا کلیسا خاموش مانده است. در جنگ با عراق، آمریکا در مقام ابر قدرت، خود را حافظ جهان خواند و برای مقابله با خطر اسلحه های کشتار جمعی به خاک عراق حمله کرد. پس از حمله و پیروزی نظامی او بر عراق، مشخص شد که اسلحه ای در کار نبوده است. ولی از آن زمان تا بحال نفت عراق را بدون پرداخت می برد و تا حد اقل ۱۰ سال دیگر تولید نفت عراق از آن او خواهد بود.

منفرد نواک، مامور ویژه سازمان ملل متحد در امور تحقیق در مورد شکنجه طی یک طی سخنانی در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در شهر ژنو سوئیس گفت: گفته است که شکنجه در عراق کنونی احتمالا گسترده تر از زمان صدام حسین است. پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان در یک مصاحبه مطبوعاتی که روز پنج شنبه ۲۹ شهریور ۸۵ منتشر شد گفت بعد از ۱۱ سپتامبر امریکا پاکستان را تهدید کرد اگر در "جنگ با ترور" همکاری نکند، این کشور را با بمب به عصر حجر باز میگرداند. مشرف گفت این تهدید از طریق رئیس اطلاعات پاکستان به اطلاع حکومت پاکستان رسید.

در اسرائیل نیز به قول خاخام ها، تورات اجازه نابود کردن دشمنان را به «قوم برگزیده» داده است. قوم برگزیده جهت سلطه بر فلسطینی ها می کشد، محدود می کند و حتی از بمبهای شیمیایی نیز استفاده می کند. دنیا از خشونت که اسرائیل به تصویر کشیده است به تماشا نشسته است. مداخله ای از نوع مداخله امریکا در عراق، بنام «مردم سالاری»، امر تازه ای نیست که روی می دهد. دینها برای استقرار سلطه خود بمناب «دین حق»، جنگها کرده اند. جنگهای صلیبی نوع دیگری از «جنگ مقدس» بنام آزاد کردن انسانها از باور به «دین باطل» و در آوردن آنها به «دین حق» بوده اند. «تفتیش عقاید» و جنگ با پروتستانها، شکل دیگری از مشروعیت بخشیدن به خشونت و جنگ بوده اند. قرن بیستم را قرن «جنگ ایدئولوژیها» خوانده اند. در این قرن، برغم صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، جنگ برای درآوردن جهانی تحت یک مرام، ه قاره را فرا گرفت.

انتظار این بود که در پی تجربه شدن هم جنگ بنام ایدئولوژی و هم به اجرا گذاشتن این و آن مرام به زور، و با توجه به آزادی انتخاب دین و مرام که در حقوق بشر قید شده است، دوران جنگ و مداخله، بنام دین و مرام، پایان پذیرفته باشد. اما امری باور ناکردنی روی داد: مداخله نظامی، آنهم بنام «حقوق بشر» و مردم سالاری!

اینگونه است که حقوقی که می باید به جنگ بنام دین و مرام و فرهنگ و تمدن پایان می دادند، خود وسیله توجیه جنگ شدند و اینک خاورمیانه، آنهم بر اصل تبعیض، عرصه جنگ بنام حقوق بشر و مردم سالاری شده است. قدرت محصول تبعیضها است. این همه تبعیض را جهان می بیند ولی به خاطر منافع لب دوخته و هیچ نمی گوید. قدرت هر اندازه بیشتر بر ابعادش افزوده می شود، حقوق را بکطرفه و از آن خود می داند. وقتی تبعیض را قدرتی و یا شخصی به نفع خود قائل شد، تبعیضهای بعدی از پس آن زاییده می شوند. تبعیض، تبعیض می آورد و حقوق ضایع می شوند و بدینسان جامعه و طبیعت نابود می شوند. آن قدرت که در راس قدرتهای دیگر شکل می گیرد نقش قدرت مسلط را می یابد و روابط سلطه، زیر سلطه را با دیگر قدرتها بوجود می آورد.

هر گاه بخواهیم جهانی آزاد از روابط سلطه - زیر سلطه را تصور کنیم، جهان آزاد ما، مجموعه ای می شود از جامعه های باز و تحول پذیر. رابطه سلطه گر - زیر سلطه برقرار شدنی نیست، مگر میان جامعه هایی با نظامهای اجتماعی بسته و یا نیمه باز. چرا؟ زیرا رابطه سلطه تنها وقتی برقرار می شود که منابع و استعدادها از کشورهای زیر سلطه به طرف کشور های سلطه گر جریان یابند و مدیریت برخورداری از این منابع بدست قدرت مسلط بیفتد. در این رابطه است که کشورهای زیر سلطه ابتکار و ابداع و رشد را از دست می دهند و ابتکار به دست سلطه می افتد

در حال حاضر وضعیت کشور ما تصویر کشور زیر سلطه ای است که در قهر استبداد به راه تخریب می رود. سیل منابع و انرژی و استعدادها به طرف غرب روان است. علاوه بر حراج منابع نفت و گاز ما، سالانه ۱۸۰ هزار تحصیل کرده از ایران میگریزند و به غرب میروند، چون استبداد بستر و زمینه امنیت سیاسی - اجتماعی را از آنها سلب کرده است. گویی ما محکوم به نابودی در نبود برخورداری از حقوق خود هستیم. افسردگی، اعتیاد، فقر و انواع نابسامانیهای اجتماعی جریان رشد را مسدود کرده است. گویی کسی جامعه جوان ما را نمی بیند. هر روزه کشور ما تهدید به جنگ می شود. صلح و آرامش تصمیم، از مردم ما گرفته شده است. کدامین قدرت است که آتش بس پیشنهادی، حتی یک روزه سازمان ملل را شروع پایان جنگ و سلطه بداند؟

راه حل کشورهای ما در چیست؟

از خاصه های مردم سالاری که جزو حقوق هر قوم و ملتند ۴ خاصه را می آورم:

۱- استقلال، از جمله، در این معنی که در بیرون از مرزهای ملی، هیچ قدرتی شریک یک ملت در حق حاکمیت او نیست؛

۲- آزادی، از جمله، به این معنی که در درون مرزهای ملی، هیچ مقامی شریک حاکمیت و ولایت جمهور مردم نیست؛

۳- رشد، از جمله، به این معنی که نیروهای محرکه جامعه می باید بتوانند در خود جامعه فعال شوند. نظام اجتماعی می باید باز و تحول پذیر باشد تا نیروهای محرکه به تمامه در رشد جامعه بکار روند؛

۴- عدالت به مثابه میزانی که بدان رابطه در جامعه و میان جامعه و جامعه های دیگر چنان تنظیم شوند که انسانها در آزادی رشد کنند و در جریان رشد، از حقوق خویش و امکانها، بطور برابر، برخوردار باشند؛ در زمان مداخله کشورهای مسلط در امور کشورهای م، اصل استقلال است که نادیده می گیرند و آشکارا به استقلال ملت های ما تجاوز می کنند. برای روشتر شدن این امر و بهتر مفهوم شدن معنای استقلال ۵ معنای استقلال را خاطر نشان می شوم.

۱ - معنای اصلی استقلال قرار گرفتن در موقعیت مسلط و زیر سلطه است. با این میزان می توانیم استقلال هر کشور را بسنجیم. استقلال در این معنی، میزان است. میزانی که، بدان، اندازه استقلال یک کشور را می سنجم.

۲ - استقلال بمعنای ولایت جمهور مردم یا اصل شرکت فرد فرد مردم کشور در اداره جامعه خویش.

۳ - استقلال بمعنای عدم مراجعه مستقیم و غیر مستقیم به قدرت خارجی در سیاست داخلی. هر چند این معنی از همان معنی اول استقلال اخذ می شود، اما از آنجا که بسیاری وارونه واقعیت را استقلال می پندارند، تصریح استقلال در این معنی ضرورت دارد. در حال حاضر، نظام ولایت فقیه امریکا را محور سیاست داخلی و خارجی کشور ایران کرده است. کار ایران به کجا می کشد اگر مخالفان نیز امریکا و احتمال مداخله اش را محور کنند؟ چه بر سر ایران می آید اگر ایرانیان، به حال انتظار درآیند که چه وقت امریکا دست به مداخله نظامی در ایران می زند؟

۴ - معنای چهارم استقلال که همراه با معنای دوم در حقوق اساسی مردم سالاریها، اصل راهنماست، اینست: هیچ قدرت خارجی شریک مردم یک کشور در حاکمیت بر خود نیست.

اصل «محدودیت حاکمیت» را بروژنف، رئیس دولت روسیه در رژیم کمونیستی، در قلمرو سلطه خویش بکار می برد. در نتیجه، جامعه های تحت سلطه روسیه، نه استقلال داشتند و نه آزادی. در حال حاضر، بوش،

رئیس جمهوری امریکا، مدعی «محدودیت حاکمیت» کشورهای دیگر جهان و فراگیر بودن حاکمیت امریکاست.

۵ - استقلال بمعنای توانائی ساختن یک هویت جمعی در آزادی و در وطن مشترک، در جریان رشد. این همان هویت است که نه بر گذشته تنها، که بر جریان مداوم حیات جمعی در رشد، ساخته می شود. این همان هویت است که در ایران بدان، ایرانیست و در کشورهای عرب، عربیت و در... گفته می شود.

استقلال از آزادی جدائی ناپذیر است چرا که رشد نیازمند فعالیت انسان بر روی استعدادهای خویش است و چنین رشدی بدون آزادی ناممکن می گردد.

دو قرن است که ایرانیان راه رشد را گم کرده اند.

آزادی و استقلال خویش را گم کرده اند. زانوی غم به بغل گرفته و دائم تکرار می کنند که بدبختیهای ما، همه، زیر سر خارجیها هست. غافل از این هستند که، اصل راهنمای موازنه عدمی را است که گم کرده اند. از استقلال و آزادی است که غافل شده اند. این بحران هویت است که بدان گرفتار آمده اند تا آنجا که جرأت نمی کنند از خود بپرسند: فردائی که باید ساخت، آیا فردائی است که بی اختیار مردم و با زورحاکمان و قدرت خارجی باید ساخت؟! (و در حقیقت، ویران کرد) و یا خود می باید آزادی و استقلال خویش را باز یابند؟ و این فردا را مرحله ای از جریان رشد بگردانند؟ و فردا را در رشد خود و دیگران بسازند. به مردمانی که در کشورهای استبدادی زندگی می کنند می شود از بیرون کمک کرد: شرط کمک این است که ضد دو اصل استقلال و آزادی نباشد، بلکه جهت تحقق آنها باشد. این کمک زمانی نه در مقام قیم مایی، بلکه کمک در راستای احترام به حاکمیت ملی هر کشوری خواهد بود که:

۱ - به قطع روابط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سلطه گر - زیر سلطه با دولتهای استبدادی و متجاوز به حقوق بشر یا اعتراف به این حقیقت که دولتهای استبدادی فرآورده روابط سلطه گر - زیر سلطه هستند، منجر شود. بنا بر این،

۲ - بایستی به دوران تقدم «منافع و مصالح» پایان بخشیده شود و روابط بین المللی بر حقوقی با تعریفهای شفاف و پذیرفتن اصل برابری ملتها در حقوق استوار گردد.

۳ - روش کنونی مجهز کردن رژیمهای استبدادی به اسلحه، از راه مستقیم (فروش رسمی اسلحه) و از راه غیر مستقیم (فروش از راه دلالتها) ترک شود و دست از حمایتهای سیاسی و اقتصادی آنها بی که دست نشانده اند، کشیده شود.

در صفحه ۱۵



## صلح حتی از حقوق هر انسان، هر قوم و هر ملت است

۴ - روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی شفاق ف کردند و به «دیپلماسی پنهان» پایان بخشیده شود. وبه این واقعیت که حقوق ذاتی حیات انسانند و چاره در برقرار کردن جریان آزاد اطلاعات و اندیشه‌ها و آگاه کردن انسانها از حقوق خویش است، تن داده شود.

۵ - تبعیضهایی که قدرتهای مسلط بسود خود برقرار کرده‌اند انفا شوند. مداخله نظامی اینه متمم نمای تبعیض بسود مسلط است. اما الغای تبعیضا (از جمله قراردادهای نفتی، روابط بازرگانی نابرابر و...) که به سود غرب مسلط و به زبان ملت‌های ما برقرار شده‌اند و تبعیضهایی که بسود اسرائیل برقرار شده‌اند، از اسباب عمده استقرار استبدادها در کشورهای ما هستند. همه کس میدانند که اینگونه تبعیضا بدون استبدادهای وابسته برقرار کردنی نیستند؟

۶ - از دست آویز کردن حقوق بشر دست کشیده شود و سیاست خارجی از حاشیه در آمده به متن در آید. یعنی در همه جا و همه وقت با تجاوز به حقوق بشر مخالفت قاطع شود.

خواه متجاوز دولت روسیه باشد در چینی و یا رژیم سعودی (کلید دار انبار عظیم نفت) باشد در عربستان و یا اسرائیل باشد در فلسطین و یا دیکتاتورهای افریقا و امریکای جنوبی و یا نظام ولایت فقیه باشد در ایران و ...

۷ - امنیت خارجی کشورهایی که گرفتار استبداد هستند، تامین گردد: یعنی وارونه کاری را که غرب به سردستگی امریکا در طول مدت محاصره اقتصادی و در جنگ با مردم عراق کرد، باید کرد. توضیح اینکه ملت‌های تحت استبداد را باید مطمئن کرد که، از بیرون، هیچگونه تهدیدی متوجه آنها نیست. ملتی که اطمینان پیدا کند الف - استبداد حاکم از بیرون حمایت نمی‌شود و ب - در صورت قیام از حمایت وجدان جهانی برخوردار می‌شود و استبداد متجاوز به حقوق مردم تحریم عمومی می‌شود و ج - دولتهای مدعی جانبداری از حقوق انسان و حقوق ملت‌ها، به جای قدرتمنداری، در روابط خارجی خود، حقوق مداری را روش می‌کنند، در قیام برای آزاد شدن، تردید نمی‌کنند. پیشنهاد این تدابیر، به نسل جوان است که جامعه جهانی بنا شدنی است. این کار در عهده نسل جوان است چرا که جوان آن بخش از جامعه است که محیط اجتماعی آینده را می‌سازد. محیطی را می‌سازد که محیط زیست اجتماعی او است. اگر میخواهد صلح اساسی و بنیان نظم جهان باشد باید ابتدا در ذهنیت خود قدرت را از اصلت بیندازد

## عراق متلاشی و خونین

◀ در ۵ آذر ۸۵، مرتضی فلاح میبیدی، مدیر مسوول روزنامه توقیف شده اقبال به شعبه ۵ بازپرسی دادسرای کارکنان دولت احضار شد. اتهامات فلاح میبیدی نشر اکاذیب، توهین و تبلیغ علیه نظام می باشد.

◀ در ۵ آذر ۸۵، در پی اعتراضات و تجمعات هفته ی گذشته در دانشگاه تربیت معلم سبزوادر اعتراض به قتل یک دانشجوی شش عضو اصلی انجمن اسلامی دانشجویان با نام های، احمد نورحسینی و سعید قربانیان و کاظم حسین زاده و حسن سهیلی فرد و، اصغر محمد زاده و مریم مهر آذر احضاریه ی کمیته ی انضباطی، را دریافت کرده اند.

◀ در ۵ آذر ۸۵، توقف انتشار ۵ نشریه استان زنجان در اعتراض به سیاست های مطبوعاتی دولت احمدی نژاد در اعتراض به محدودیت های ایجاد شده برای مطبوعات انجام شد. (هفته نامه های پیام زنجان، بهار زنجان، صدای زنجان، البرز خرم و موج بیداری) با انتشار اطلاعیه ای مشترک، اعلام کردند که این مطبوعات تا رفع محدودیت ها ی ایجاد شده، انتشار خود را متوقف می کنند.

◀ در ۶ آذر ۸۵، شعبه چهارم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت، برای مهدی رحمانیان، مدیرمسوول روزنامه توقیف شده شرق قرار مجرمیت، صادر و پرونده وی را برای صدور کیفرخواست به سرپرست این دادسرا ارجاع کرد. اتهامات مهدی رحمانیان در این پرونده نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و توهین و افترا است.

◀ در ۷ آذر ۸۵، با دستور دادستان تهران، سعیدپور، مدیرمسئول نشریه «سیاس»، جلب و بازداشت شد. اتهام نامبرده، چاپ مطلب توهین آمیز و تفرقه افکن ( توهین به قوم لر ) در این نشریه ذکر شده است.

◀ در ۷ آذر ۸۵، شیرکو جهانی اصل روزنامه نگار و عضو سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان به اتهام فعالیتهای مدنی و گفتگو با رسانه های خارج از کشور زندانی شد.

◀ در ۷ آذر ۸۵، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهر سقز سه شهروند اهل بانه را به حبس محکوم کرد. هزار رضوی، ناصر یوسفی و صلاح رسولی به اتهام فعالیتهای سیاسی و ارتباط با یک حزب کردی به ترتیب به ۳ سال حبس تعلیقی، ۳ سال حبس تعزیری و ۱۵ سال زندان محکوم شده اند

◀ در آذر ۸۵، اطلاع حاصل شد که کیوان رفیعی بیش از ۱۶۰ روز در سلول های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین تحت فشارها و تهدیدات شکنجه های روحی و جسمی قرار دارد او در طول مدت بازداشت غیر قانونی و در

اعتراض به ادامه این روند به ناچار دوبار دست به اعتصاب غذای خشک زده است. و در پی شکنجه های جسمی و روحی دچار بیماری های چون عفونت روده، عفونت لته، درد مفاصل، ناراحتی های پوستی شده است.

◀ در ۸ آذر ۸۵، عبدالرسول وصال مدیرمسوول روزنامه «آینده نو» در شعبه هشتم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت حاضر و برای تدارک دفاع تقاضای مهلت کرد. اتهام او انتشار مطلب کذب تشکیل شده است.

◀ در ۸ آذر ۸۵، گزارشگران بدون مرز اسامی تعدادی از روزنامه نگارانی که در ایران از فعالیت مطبوعاتی محروم شده اند و یا ممنوع قلم هستند را منتشر کرده است:

مادح احمدی، نوشین احمدی خراسانی، پروین اردلان، علی ایمان حامد، مسعود باستانی، عمادالدین باقی، ساقی باقری نیا، پروین بختیار نژاد، سیامک پورزند، مجید تولایی، علیرضا جباری، ایرج جمشیدی، عباس دالوند، فریبا داودی مهاجر، علیرضا رجایی، تقی رحمانی، محمد جواد روح، احمد زیدآبادی، سعید ساعدی، عزت اله سحایی، آرش سیگارچی، ماشاله شمس الواعظین، هدا صابر، شادی صدر، لطیف صفری، بیژن صف سری، کیوان صمیمی، اعظم طالقانی، عباس عبدی، یوسف عزیزی بنی طرف، علیرضا علوی تبار، رضا علیجانی، محمد حسن علیپور، حسین قاضیان، محمد قوچانی، اجلال قوامی، عباس کاکاوند، تونیا کبودوند، محمد صدیق کبودوند، مرتضی کاظمیان، فاطمه کمالی، بهروز گرانیپایه، ابوالقاسم گلباف، اکبر گنجی، فاطمه گورابی، فیروز گوران، مجتبی لطفی، حامد متقی، سعید مدنی، علی مزروعی، امین موحدی، نرگس محمدی، حسن یوسفی اشکوری، ابوالفضل وصالی، مانا نیستانی

◀ در ۹ آذر ۸۵، دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در اعتراض به وقایع چند روز اخیر تجمعی اعتراض آمیز در خوابگاه های دانشگاه برگزار کردند. فضای ملتبی که از چند روز قبل با درگذشت سه دانشجوی دانشگاه های کشور در کمتر از یک هفته و صدور حکم محرومیت از خوابگاه حسین نجفی دانشجوی متحصن دانشگاه و صدور احکام انضباطی برای چند فعال دانشجویی و برخورد با ۷ نشریه دانشجویی از سوی کمیته ی انضباطی دانشگاه آغاز شده بود، به برپا کردن این تظاهرات انجامید.

◀ در ۹ آذر ۸۵، خبر مسموم شدن ۳۸ تن از دانشجویان دانشگاه یزد به علت نامعلوم، انتشار یافت.

◀ در ۹ آذر ۸۵، محسن حکیمی نویسنده فارس زبان اهل کرج و عضو کانون نویسندگان ایران به اتهام سخنرانی در تجمع گروهی از کارگران در شهر سقز در دو سال پیش، به ۲ سال حبس تعزیری محکوم گردید.

◀ در ۱۲ آذر ۸۵، دادگاه نشریه «افکار» به مدیرمسوولی لطف‌الله

در ۹ آذر ۸۵، ابراهیم بایزیدی، با حکم دادگاه راهی زندان شد. نامبرده روز پنجشنبه ۲ آذرماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی با اتهاماتی چون همکاری با احزاب غیر قانونی، شرکت در تجمع غیر قانونی، تردد غیر مجاز، اقدام علیه امنیت ملی و حرب با خدا تفهیم اتهام شده و با صدور قرار بازداشت روانه زندان گشت.

◀ در ۱۰ آذر ۸۵، خبر محاکمه دو نشریه توقیف شده «پیام آزادی» به مدیرمسوولی لطف‌الله زارعی قنوتی و «افکار» به مدیرمسوولی داود بهرامی سیاوشانی، در ۱۲ آذر ماه، در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی حسینیان و با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات انتشار یافت.

◀ در ۱۰ آذر ۸۵، حیدر نوری ششمین روز اعتصاب غذای خود را در حالی ادامه می داد که از سوی مسئولین زندان و دادگاه انقلاب تحت انواع آزار و اذیت ها قرار داشت. وضعیت جسمی او در حال حاضر نا مطلوب است و دچار افت فشار خون، سردرد و ضعف شدید جسمانی می باشد.

◀ آقای یاسر مجیدی یکی دیگر از زندانیان سیاسی که به زندان بیرجند تبعید گشته از تاریخ ۸۵/۹/۵ به حمایت از زندانیان سیاسی گوهر دشت و در اعتراض به شرایط غیر انسانی که در آن قرار دارد دست به اعتصاب غذا زده است. شرایط جسمی او مطلوب نیست و از افت فشار خون و ضعف جسمانی رنج می برد.

◀ در ۱۰ آذر ۸۵، اطلاع حاصل شد که حکم تبعید هاشم شاهین نیا به او ابلاغ شده است: او در سال ۷۸ برای نخستین بار دستگیر و ۲ سال و نیم زندان را متحمل شد. در سال ۸۱ بطور مشروط آزاد شد. اما سال ۸۴، در تجمعی که برای تحریم انتخابات برگزار شده بود، دستگیر و به ۵ سال زندان در تبعید محکوم شد. وی نسبت به حکمی که برایش صادر شده بود اعتراض کرده بود و ۳ روز پیش ۷/۹/۱۳۸۵ در پاسخ اعتراضش، حکم تبعیدش به او ابلاغ شد. محل تبعید او شهرستان بوشهر است.

◀ در ۱۲ آذر، آذر ۸۵، جلسه بازپرسی رسیدگی به پرونده سیدمحمدحسین دریاباری، مدیرمسوول هفته‌نامه «گویه» در شعبه اول بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب قم برگزار شد. اتهام او نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و جریحه‌دار کردن عفت عمومی جامعه است.

◀ در ۱۲ آذر ۸۵، جلسه رسیدگی به اتهامات بهرامی سیاوشانی، مدیرمسوول نشریه «پیام آزادی» در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی حسینیان و با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات برگزار شد.

◀ در ۱۲ آذر ۸۵، دادگاه نشریه «افکار» به مدیرمسوولی لطف‌الله

زارعی قنوتی صبح امروز در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی حسینیان و با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات برگزار شد. اتهامات مدیرمسوول نشریه افکار را استفاده ابزاری از افراد در تصاویر، انتشار برخی مطالب جنجالی و چاپ ویژه‌نامه تبلیغات انتخاباتی بوده اند.

◀ در ۱۲ آذر ۸۵، نشریه زمستان دانشگاه یزد در دومین شماره ی خود به مدیر مسوولی نیلوفر باغبان، به علت چاپ مقاله‌ای تحت عنوان «شکستن بت بزرگ» که در آن به پاره‌ای از شبهات دینی پرداخته شده بود، با حکم کمیته‌ی ناظر بر نشریات به دلیل توهین به مقدسات توقیف شد. کمیته‌ی ناظر بر نشریات، مدیرمسوول این نشریه را از مدیرمسوولی تا پایان دوران تحصیل محروم کرد.

◀ در ۱۲ آذر ۸۵، اولین جلسه رسیدگی به اتهامات شهرام رفیع‌زاده، از وبلاگ‌نویسان روزنامه‌نگار، به صورت غیرعلنی در شعبه ۱۰۵۹ دادگاه عمومی برگزار شد.

◀ در ۱۳ آذر ۸۵، مرتضی اصلاح‌چی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی از احضار خود به کمیته انضباطی خبر داد.

◀ در ۱۳ آذر ۸۵، اطلاع داده شد که جلسه رسیدگی به اتهامات برهان لهونی و بهرام ولدبیگی، مدیرمسوول و سردبیر هفته‌نامه توقیف شده «ناشتی» صبح روز پنجشنبه، چهاردهم دی ماه سال جاری در دادگاه کیفری استان کردستان برگزار می‌شود. اتهام او نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و اقدام علیه امنیت ملی است.

◀ در ۱۳ آذر، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران در پاسخ به سخنان اخیر صفار هرنندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اطلاعیه‌ای صادر و در آن، از جمله خاطر نشان کرده است: براساس کدام قانون روزنامه‌نگاران برای سفر باید از دولت اجازه بگیرند؟ ماجرا از این قرار است که روزنامه نگاران در مراجعت از سفر، تمام وسائل آنها ضبط و خود آنها احضار شده‌اند.

◀ در ۱۵ آذر، اطلاع رسید که آرزیتا شفقت و شوهر او احمد رضا شفقت، دو پنهاننده به ترکیه، در خطر تحویل شدن به رژیم ایران هستند

◀ در ۱۶ آذر ۸۵، بنا بر گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، کیوان رفیعی که بیش از ۱۷۰ روز است در سلول انفرادی بند ۲۰۹ اوین و تحت فشار های غیر انسانی نگهداری می شود، در ۸ آذر ماه در اعتراض به بازداشت و محاکمه غیر قانونی خود، به سومین اعتصاب غذای خود، دست زده بود، در ۱۵ آذر، از سوی شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب احضار شد.

رفیعی در طول دادگاه از داشتن وکیل و قلم و کاغذ برای نوشتن دفاعیات خود محروم بوده است. لازم به ذکر است مدت این دادگاه در حدود ۱۰ دقیقه به ریاست سادات تشکیل شد.

